

شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران

مصطفی سمیعی نسب^۱

مرتضی ترابی^۲

چکیده

سیاست‌های تحدید جمعیت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد نظر قرار دارد. کشورهای توسعه یافته سیاست‌های کاهش جمعیت را در سال‌های اخیر به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته پیشنهاد می‌دهند. این در حالی است که خود این کشورها سیاست‌های کاهش جمعیت را در گذشته انجام داده و در حال حاضر دچار مشکلات فراوانی از لحاظ جمعیتی شده‌اند. در این مقاله سؤال اصلی این است که آیا سیاست‌های کاهش جمعیت به نفع کشور ایران از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی خواهد بود یا خیر. بدین منظور از روش تحلیل داده‌ها و توصیف آنها استفاده شده است تا سوال مورد نظر تحقیق را مورد ارزیابی قرار دهیم.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)

۲- کارشناس ارشد اقتصاد و دستیار پژوهشی مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

بدین منظور ابتدا وضعیت موجود کشور از لحاظ جمعیتی را مطرح نموده ایم و سپس عوامل مؤثر بر جمعیت و حرکات جمعیتی از قبیل باروری و موالید و مرگ و میر را مورد بررسی قرار داده ایم. سپس شاخص های جمعیتی در ایران و جهان همانند شاخص های زاد و ولد، شاخص های مرگ و میر، شاخص های ازدواج و طلاق و هرم سنی جمعیت ایران و جهان مورد بررسی قرار گرفته است. سپس سیر رشد و سیاست های کنترل جمعیت در ایران و جهان ارائه شده و در ادامه آن برخی از شاخص های آماری جمعیتی در ایران علاوه بر شاخص های قبلی ارائه شده است.

در صورتی که کشورهای در حال توسعه مانند ایران، آهنگ نزولی رشد جمعیت خود را تحدید نمایند، در چند سال آینده به مشکل بزرگ پیری جمعیت و کاهش خطرناک جمعیت روبرو خواهند شد که هزینه زیادی را برای اقتصاد کشور به دنبال خواهد داشت. البته افزایش جمعیت به تنهایی مشکلات زیادی از قبیل فقر و عدم تحقق عدالت اجتماعی را در صورت عدم تطابق رشد جمعیت و رشد اقتصادی به دنبال خواهد داشت. لذا رشد اقتصادی و افزایش جمعیت دو بال یک پرنده و لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

کلمات کلیدی: جمعیت، رشد جمعیت، شاخص های جمعیتی، سیاست های جمعیتی، نیروی کار

مقدمه

در حال حاضر میانگین آهنگ رشد سالانه جمعیت در کشورهای در حال توسعه حدود ۲/۱ درصد است در حالیکه آهنگ رشد سالانه جمعیت در اکثر کشورهای توسعه یافته در حدود ۰/۶ درصد است. در چند سال گذشته سیاست های مهار جمعیت در کشورهای در حال توسعه به نتیجه رسیده و آهنگ رشد جمعیتشان کاهش یافته است. البته در ظاهر به نظر می رسد کشورهای پیشرفته توانسته اند جلوی افزایش بیش از اندازه جمعیتشان را بگیرند، اما حقیقت این است که کشورهای توسعه یافته این زنگ خطر را برای خود به صدا درآورده اند که با پایین آمدن بیش از حد آهنگ رشد جمعیت و پیر شدن جمعیت، آهنگ زاد و ولد آنچنان پایین آمده است که در آینده قادر به جبران آن نخواهند بود و

باعث انحطاط اجتماعی و روند کاهشی جمعیت آنها خواهد شد. لذا در این کشورها به تازگی مشوق‌های زیادی برای افزایش جمعیت و تولد نوزادان اتخاذ کرده‌اند.

سوال اصلی این مقاله این است که آیا سیاست‌های کاهش جمعیت به نفع کشور است یا خیر؟ مسأله دیگر افزایش جمعیت جوان کشورهای اسلامی، مسأله عمده‌ای است که از سوی قدرت‌های استعماری به عنوان یک خطر تلقی شده است. افزایش جمعیت مسلمانان در درون کشورهای غربی نیز نگرانی دیگر قدرت‌های بزرگ است. رشد منفی جمعیت نژاد اروپایی و زاد و ولد زیاد مسلمانان، می‌تواند در بسیاری از مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مزبور اثر بگذارد.

در سال‌های گذشته تمامی مطالعات جمعیتی منحصر به سیاست‌های کاهش جمعیت و حمایت از آن‌ها بود اما در چند سال اخیر برخی از متخصصان و صاحبان نظر با توجه به پیامدهای سیاست‌های کاهش جمعیت در کشورهای توسعه یافته، به این نتیجه رسیده‌اند که این سیاست‌ها در کشور ما نیز باید مورد بازنگری قرار گیرد. لذا پیشینه تحقیقاتی شبیه به این نوشته در داخل کشور به دو یا سه سال اخیر می‌رسد. اما در کشورهای پیشرفته تحقیقات مشابهی انجام شده است.

در پایان به این بحث مهم پرداخته‌ایم که آیا مهار جمعیت در راستای منافع ملی است یا خیر؟ در این قسمت پس از بررسی ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی کاهش آهنگ رشد جمعیت، به این نتیجه رسیده‌ایم که رشد جمعیت مایه حیات و توسعه در یک کشور است و کشورهایی که سیاست‌های شدید کنترل جمعیت را تجربه کرده‌اند دچار مشکلاتی همچون پیری جمعیت و مهاجرپذیری بیش از حد برای تامین نیروی کار شده‌اند. این کشورها در حال حاضر سیاست‌های ازدیاد جمعیت را پیش رو گرفته‌اند و از طرق مختلف مردم را به ازدیاد نسل تشویق می‌کنند اما مشکل آنها پیری جمعیت و بوجود آمدن عادات اجتماعی در جهت کوچک نگه داشتن خانواده است که سد بزرگی در مقابل افزایش آهنگ رشد جمعیت در این کشورهاست.

وضعیت موجود جمعیتی در ایران و جهان

وضعیت جمعیت ایران و آهنگ رشد جمعیت

در گذشته‌های بسیار دور ایران کشور پرجمعیتی محسوب می‌شد. بطوریکه در هزار سال پیش از هجرت طبق گزارش‌های مورخان جمعیت ایران حدود ۵۰-۴۰ میلیون نفر بوده و شهرهای پرجمعیت زیادی در ایران وجود داشته است. بتدریج به دنبال جنگ‌های متعدد با از دست دادن سرزمین‌های پهناور و اراضی وسیع و تغییر مرزهای جغرافیایی و همچنین کشتارهای خونبار، شیوع بیماری‌های واگیردار و سوانح طبیعی، در سرزمین‌های باقی مانده حدود ۸ میلیون نفر ایرانی زندگی می‌کردند. یعنی در اواخر قرن ۱۹ میلادی حدود ۱۰-۸ میلیون نفر در ایران با مرزهای کنونی می‌زیستند. رشد سالانه جمعیت در این دوره کمتر از ۰/۵ درصد بوده که مهمترین علت این مسأله میزان بسیار بالای مرگ و میر در ایران بوده است.

در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی حدود ۱۰ میلیون نفر ایرانی در ایران زندگی می‌کردند. پس از گذشت کمتر از ۱ قرن در سال ۱۳۷۵ جمعیت ایران ۶ برابر شد و از مرز ۶۰ میلیون نفر گذشت.



منبع: پایگاه مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹

میزان رشد طبیعی جمعیت:

این میزان رشد جمعیت را بر مبنای اختلاف مرگ و میر و زاد و ولد با فرض اینکه جامعه تحت تأثیر نوسانات حاصل از مهاجرت قرار نداشته باشد، نشان می‌دهد:

تفاضل تعداد مرگها از موالید در مدت ۱ سال

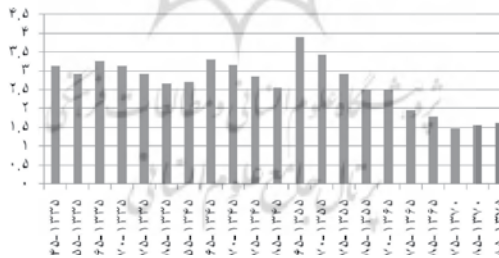
$$۱۰۰ \text{ یا } ۱۰۰۰ \times \text{-----} = \text{میزان رشد طبیعی جمعیت}$$

جمعیت وسط سال

بر مبنای اعداد نشان داده شده در این میان می‌توان در مورد آینده جمعیت و افزایش یا کاهش آن اظهار نظر کرد. بر طبق یک تقسیم بندی کلی می‌توان رشد جمعیت را بدین صورت طبقه بندی کرد که:

- رشد جمعیت ۰/۱ درصد جمعیت ثابت
- رشد جمعیت ۰/۱-۰/۵ درصد رشد ضعیف
- رشد جمعیت ۰/۵-۱ درصد رشد متوسط
- رشد جمعیت ۱-۱/۵ درصد رشد سریع
- رشد جمعیت ۱/۵-۲ درصد رشد بسیار سریع
- رشد جمعیت > ۲ درصد رشد انفجاری جمعیت

متوسط رشد سالانه جمعیت کشور (درصد)



منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

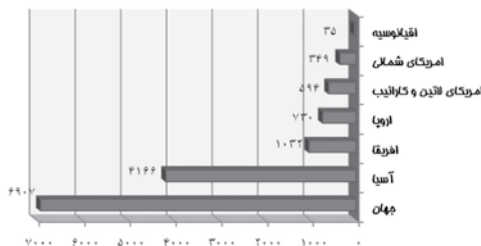
این نمودار که بر مبنای درصد رشد طبیعی جمعیت در ایران تهیه شده، بخوبی روند رشد را که منطبق با شرایط اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی کشور می‌باشد، نشان می‌دهد. در ربع اول قرن فعلی تغییر صعودی سریع در آهنگ رشد جمعیت را شاهد بودیم که بدلیل بهبود

شرایط رفاهی و همچنین ایجاد امکانات بهداشتی و مهار بیماری‌های واگیردار و کشنده در کشور می‌باشد. تا نیمه قرن حاضر رشد جمعیت با همان میزان بالا ادامه یافت تا اینکه با اجرای موقت برنامه‌های تنظیم خانواده رشد جمعیت کاهش یافت و به رقم ۲/۷ درصد رسید و پس از آن در فواصل دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ افزایش نسبتاً سریع آهنگ رشد جمعیت را شاهد بودیم که با سیاست گذاری‌های دولت‌های وقت، از آن پس رشد جمعیت کندتر شد. اما متأسفانه این آهنگ نزولی در رشد جمعیت در صورتی که ادامه یابد برای کشور نگران کننده خواهد بود و با ایجاد مشکل بزرگ پیری جمعیت و عدم تولید نسل جدید و نیروی کار جوان، باعث خطرات جدی خواهد گردید. دولتمردان ما باید به گونه‌ای برنامه ریزی کنند تا برای جلوگیری از این خطر بزرگ، آهنگ رشد جمعیت را افزایش داده و از کاهش آن جلوگیری نمایند. البته باید به تناسب آن رشد اقتصادی و فرصت‌های جدید شغلی نیز جهت افزایش سطح رفاه این جمعیت باید به تناسب افزایش یابند.

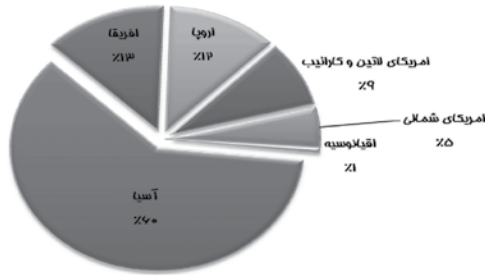
وضعیت جمعیت جهان و آهنگ رشد جمعیت

بر حسب وسعت جغرافیایی، قدمت تمدن و شرایط زیستی، توزیع جمعیت در سرزمین‌های مختلف متفاوت است. کما اینکه با توجه به آمار سال ۱۳۸۹ توزیع درصد جمعیتی که در قاره‌های مختلف زندگی می‌کنند، بدین شرح می‌باشد که ۶۰ درصد مردم جهان در آسیا، ۹ درصد در آمریکای لاتین و کارائیب، ۵ درصد در آمریکای شمالی، ۱۲ درصد اروپا، ۱۳ درصد در آفریقا و ۱ درصد در قاره اقیانوسیه سکنی دارند. هرچند هنوز هم شرایط نامناسب زیستی و بلایای طبیعی می‌توانند منجر به کوچ جمعیت‌ها گردند ولی امروزه این مهاجرت‌ها بیشتر به دلیل دستیابی به شرایط مناسب تر رفاهی، اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد. (سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷)

جمعیت جهان بر حسب منطقه در سال ۲۰۱۰ (میلیون نفر)



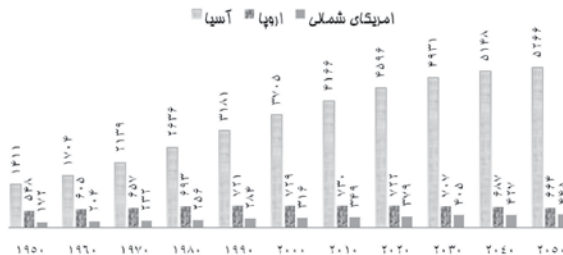
جمعیت جهان بر حسب منطقه در سال ۲۰۱۰ (درصد)



منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

آهنگ رشد هر کشوری به صورت درصد بیان می‌شود، آهنگ افزایش جمعیت از حیث کمی عبارت است از درصد افزایش نسبی خالص سالانه جمعیت، عموماً بین ۰,۱ درصد و ۳ درصد در سال می‌باشد. شما در محاسبه رشد جمعیت با دو پارامتری که با هم مشارکت دارند، روبرو هستید؛ میزان رشد طبیعی جمعیت و میزان رشد مطلق جمعیت دو مقداری است که باید در نظر داشته باشید. در رشد طبیعی جمعیت تنها میزان متولدین و میزان مرگ و میر کشور در نظر گرفته می‌شود؛ بدون آن که جمعیت مهاجرین را محاسبه کنند. اما آهنگ رشد مطلق جمعیت، علاوه بر مرگ و میر و زاد و ولد، مهاجرت به داخل و خارج از کشور را نیز در نظر می‌گیرند. به عنوان نمونه، آهنگ رشد طبیعی کانادا ۰,۳ درصد است در حالی که آهنگ رشد مطلق آن ۰,۹ درصد است؛ که این عامل نشان دهنده ی سیاست‌های مهاجر پذیری کانادا می‌باشد.

جمعیت جهان بر حسب منطقه (میلیون نفر)



نرخ رشد ۱۰ ساله جمعیت جهان بر حسب منطقه



منبع: پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹

همانطور که در این نمودار ملاحظه می‌فرمایید جهت مقایسه بهتر اعداد و استفاده از افق زمانی بیشتر، از آهنگ رشد ۱۰ ساله استفاده شده است. هشدار بزرگ برای کشورهای پیشرفته پیر شدن جمعیت و آهنگ رشد منفی این کشورها در آینده است که باعث شده است تا مشوق‌های زیادی برای ازدیاد نسل در این کشورها شروع شود و تصمیم‌گیران در این کشورها سعی کنند تا مردم را به بچه دار شدن ترغیب کنند.

افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه تقریباً منحصر به اختلاف بین آهنگ زاد و ولد و مرگ و میر بستگی دارد. در حال حاضر متوسط آهنگ رشد سالانه جمعیت در کشورهای در حال توسعه حدود ۲/۱ درصد است در حالیکه آهنگ رشد سالانه جمعیت در اکثر کشورهای توسعه یافته در حدود ۰/۶ درصد است. و البته در ظاهر به نظر می‌رسد کشورهای پیشرفته توانسته‌اند جلوی افزایش بیش از اندازه جمعیتشان را بگیرند و کشورهای در حال توسعه موفق نبوده‌اند. اما حقیقت این است که کشورهای توسعه یافته این زنگ خطر را برای خود به صدا درآورده‌اند که با پایین آمدن بیش از حد آهنگ رشد جمعیت و پیر شدن جمعیت، آهنگ زاد و ولد آنچنان پایین خواهد آمد که در آینده قادر به جبران آن نخواهند بود و خطر بزرگی کشورهای آنها را تهدید خواهد کرد و آن انحطاط اجتماعی و روند کاهشی جمعیت آنها خواهد بود. لذا در این کشورها به تازگی مشوق‌های خاصی برای افزایش جمعیت و تولد نوزادان اتخاذ گردیده است. در صورتی که کشورهای در حال توسعه مانند ایران، سیاست اشتباه کشورهای توسعه

یافته را اتخاذ نمایند و این آهنگ نزولی رشد جمعیت خود را تنظیم نمایند، در چند سال آینده به مشکل بزرگ پیری جمعیت و کاهش خطرناک جمعیت روبرو خواهند بود. نیروی انسانی به عنوان یکی از عوامل اساسی در رشد اقتصادی به شمار می‌آید که اگر کشورهای در حال توسعه به آن توجه نکنند و رشد جمعیت خود را از دست بدهند نخواهند توانست به رشد اقتصادی خود ادامه دهند. کشورهای توسعه یافته قسمت اعظم کسری جمعیت و نیروی کار مورد نیاز جهت رشد اقتصادی را از طریق مهاجرت پذیری جبران می‌کنند اما کشورهای در حال توسعه به علت داشتن جاذبه‌های کمتر جهت جذب مهاجر، باید به نیروی کار داخلی خود متکی باشند و لذا آهنگ نزولی رشد جمعیت خطر بزرگی برای آنها خواهد داشت.

برطبق «گزارش سازمان مهاجرت بین‌المللی و توسعه» بیشتر مهاجران بین‌المللی در کشورهای توسعه یافته دارای درآمد بالا یعنی در حدود ۹۱ میلیون در سال ۱۳۸۴ می‌باشند. کشورهایی که درآمد کم یا کمتر از حد متوسط را دارند، دارای ۵۱ میلیون مهاجر بین‌المللی می‌باشند. تعداد کل مهاجران بین‌المللی در ایالات متحده آمریکا در بیشترین حد آن، یعنی ۳۹ میلیون نفر است. بالاترین درصد مهاجران در نیروی کار و کارگران در کشورهای حوزه خلیج فارس محاسبه شده که ۹۰ درصد در امارات متحده عربی، ۸۶ درصد در قطر، ۸۲ درصد در کویت، ۶۴ درصد در عمان که این جریان مهاجرت فقط از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند نمی‌باشد: در حدود یک سوم مهاجران بین‌المللی از یک کشور توسعه یافته به کشور دیگری مهاجرت می‌کنند. در اروپا، فقط لوکزامبورگ این میزان را با ۴۵ درصد نیروی کار خارجی دارد. در کشور سوئیس، ۲۲ درصد از نیروی کار از خارجیان تشکیل می‌شود، اما در کشورهای دیگر اروپایی، کمتر از ۱۰ درصد خارجی هستند. در ۴۱ کشور، بیش از یک پنجم جمعیت از مهاجران خارجی تشکیل شده است.

همانطور که بیان شد آمارهای بیان شده در بند بالا نشانه کمبود نیروی کار در کشورهای پیشرفته یا کشورهایی که اقتصاد آنها بصورت مصنوعی بزرگ شده است مانند کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می‌باشد. این کشورها به علت کمبود نیروی کار بومی ناچار به مهاجر پذیری هستند که مشکلات فراوانی نیز برای آنها داراست. کشورهای در حال توسعه مانند ایران باید توجه کنند تا این مشکل برایشان بوجود نیاید و نیروی کار بومی جهت رشد و توسعه در اختیار داشته باشند.

۲- عوامل مؤثر بر جمعیت و شاخص‌های جمعیتی

۲-۱- شاخص‌های جمعیتی

آنچه مسلم است بررسی اعداد و اطلاعات خام به تنهایی هیچگونه انتخاب مقایسه‌ای را در زمینه مسائل مختلف در جمعیت‌های گوناگون و روند تغییرات (حرکات جمعیتی) در یک جمعیت مشخص، به ما نمی‌دهد. لذا در این بررسی جهت قابل مقایسه ساختن هر گونه واقعه یا رخدادی از ابزارهای مناسب اندازه‌گیری استفاده می‌کنیم که اصطلاحاً «شاخص» نامیده می‌شوند. (جهانفر، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲)

۲-۱-۱- شاخص‌های زاد و ولد

میزان خام تولد

بیان‌کننده تعداد کودکان زنده بدنیا آمده به ازای هر هزار نفر جمعیت در وسط یک سال معین است.

تعداد موالید زنده متولد شده در یک سال معین

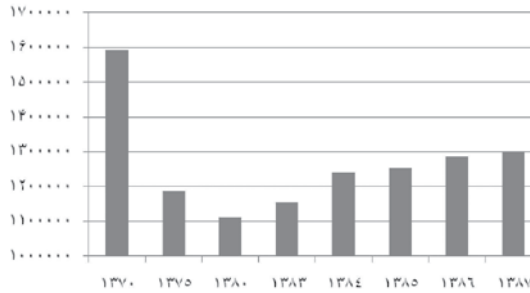
$$\times 1000 = \text{میزان باروری عمومی}$$

تعداد جمعیت در وسط همان سال

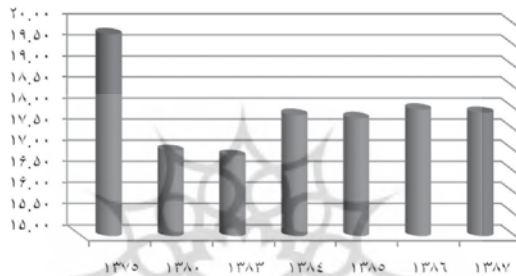
اگر در رابطه یاد شده، کلیه متولدین اعم از زنده و مرده در صورت کسر مورد محاسبه قرار گیرند، میزان کل تولد بدست می‌آید.

در جدول زیر تعداد موالید در هر سال بیان شده است و در جدول بعد میزان باروری در هر سال با استفاده از فرمول بیان شده محاسبه شده است. ملاحظه می‌کنید که از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۰ به شدت میزان باروری کاهش یافته است اما در سالهای بعد این شاخص بهبود یافته و بهتر شده است.

ولادت ثبت شده



میزان باروری عمومی



منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

۲-۱-۲- شاخص‌های مرگ و میر

میزان مرگ و میر خام

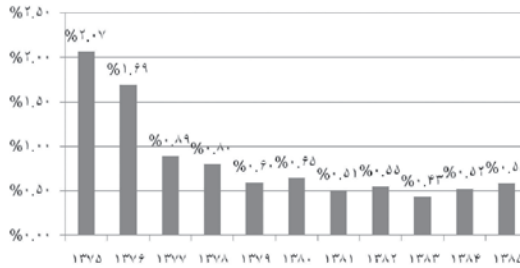
این میزان بیانگر تعداد موارد مرگ و میر (بدون در نظر گرفتن عوامل سنی و جنسی و ...) در هر هزار نفر جمعیت در مدت یک سال می‌باشد.

تعداد مرگ و میر در یک سال

$$\text{میزان مرگ و میر خام} = \frac{\text{تعداد مرگ و میر در یک سال}}{\text{کل جمعیت در همان سال}} \times 1000$$

کل جمعیت در همان سال

میزان مرگ و میر



منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

امید به زندگی

به میزان متوسط عمر که برای هر نوزاد تازه متولد شده پیش بینی می‌گردد، امید زندگی اطلاق می‌گردد. محاسبه «امید به زندگی» با توجه به برآوردهای آماری در هر جامعه ای انجام پذیرفته و از جداول آماری مخصوص استخراج می‌گردد. امید به زندگی زنان و مردان بدلیل اختلاف در خصوصیات جسمانی و اختلاف میزان متوسط عمر بطور جداگانه محاسبه می‌گردد (بدلیل عوامل مؤثر در میزان مرگ و میر برحسب جنس، علیرغم تحمل مواردی همچون بارداری و زایمان)، معمولاً امید به زندگی در زنان کمی بیش از مردان می‌باشد). از آنجایی که امید به زندگی شدیداً به امکانات و تسهیلات رفاهی موجود در جامعه بستگی دارد، لذا میزان این شاخص (که به شدت تحت تأثیر معیارهای تعیین درجه توسعه یافتگی یک کشور قرار دارد) در کشورهای مختلف متفاوت است. بطوری که در برخی کشورهای فقیر و توسعه نیافته امید به زندگی مردم نزدیک به ۳۰ سال کمتر از کشورهای توسعه یافته و پیشرفته می‌باشد.

مطابق آمار سازمان ملل کشورهای ژاپن، هنگ کنگ، ایسلند، سوئیس و استرالیا به ترتیب در جهان مقام‌های اول را دارند که با حدود ۸۲ سال از میانگین جهانی ۲۲ درصد بالاتر است. کشورهای سوازیلند، موزامبیک، زیمبابوه، سیرالئون و لسوتو نیز به ترتیب در پایین ترین رده قرار دارند. امید زندگی در این کشورها حدود ۴۲ سال است که ۳۸ درصد کمتر از میانگین جهانی و نصف کشورهای بالای جدول است. امید به زندگی در سال ۱۳۸۷ در ایران برای زنان ۷۲/۶، برای مردان ۶۹/۴ و در کل ۷۱ سال است که ۵/۵ درصد از میانگین جهانی بالاتر است و ایران را در بین ۱۹۵ کشور در رتبه ۱۰۹ قرار می‌دهد.

۲-۱-۳- شاخص های ازدواج و طلاق

مواردی چون ازدواج و طلاق در ایجاد زمینه برای باروری و زاد و ولد تأثیر گذار می باشند، لذا ثبت این وقایع و بررسی آمار مربوطه نقش اساسی در بررسی های جمعیت شناسی دارد.

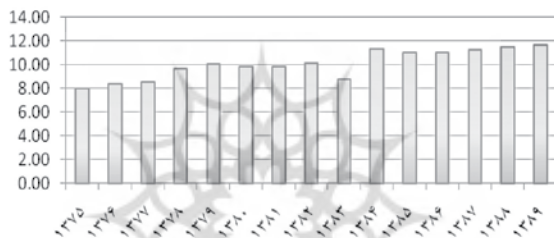
شاخص های مربوط به ازدواج

تعداد موارد ازدواج یک سال

$$\times 1000 = \text{میزان ناخالص ازدواج}$$

جمعیت سال

میزان ناخالص ازدواج



منبع: سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹

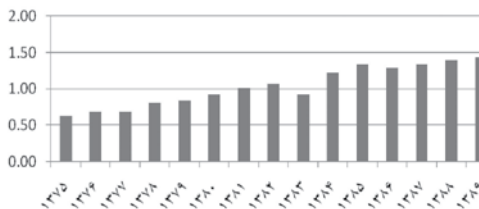
شاخص های مربوط به طلاق

تعداد موارد طلاق در یک منطقه در یک سال

$$\times 1000 = \text{میزان ناخالص طلاق}$$

جمعیت و سطر سال در همان منطقه

میزان ناخالص طلاق



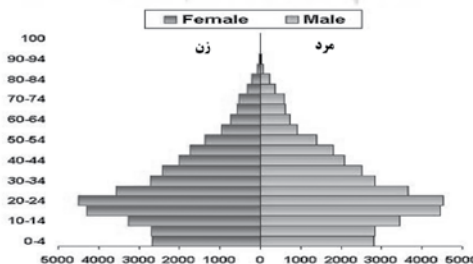
منبع: سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹

۲-۱-۴- هرم سنی جمعیت ایران و جهان

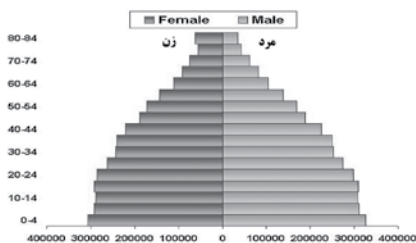
شکل توزیع جمعیت در گروه‌های سنی مختلف را هرم سنی جمعیت می‌گویند. در این هرم فراوانی جمعیت در هفده گروه سنی نشان داده می‌شود. در هرم سنی هر چه فراوانی جمعیت در قسمت پایین (قاعده) هرم بیشتر باشد، جامعه جوانتر خواهد بود. بر اساس هرم سنی جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵، همانطوری که گروه سنی ۲۰-۲۴ سال به تعداد ۹ میلیون نفر و سهم ۱۲/۷۷ درصد از کل جمعیت کشور بوده و این حکایت از فراوانی جمعیت در این گروه سنی که در دوران جوانی و فعالیت هستند دارد. (۲۴-۲۰ سال) در سرشماری قبلی (سال ۷۵/۸/۷ درصد از جمعیت یعنی ۴ درصد کمتر بوده است. مقایسه هرم‌های سنی جمعیت در ۳ سرشماری گذشته یعنی سال‌های ۶۵، ۷۵، ۸۵ نشن می‌دهد آهنگ زاد و ولد زیست سال گذشته تا کنون کاهش معنی داری داشته است چرا که سهم گروه سنی ۴-۰ سالز کل جمعیت کشور در این سه مقطع بترتیب ۳/۳، ۱۸/۷۵، ۱۰/۷ درصد بوده است.

میانگین گروه سنی ۱۴-۰ سل از کل جمعیت کشور میباشد. در بین ستانهای کشور، استان تهران در این گروه سنی با ۲۰/۹ درصد کمترین فراوانی و استان سیستان و بلوچستان با ۳۷/۵ درصد بیشترین فراوانی را دارد. فراوانی گروه سنی مذکور در خراسان رضوی ۲۵/۹ درصد یعنی قدری بیشتر از میانگین کشور می‌باشد.

هرم سنی جمعیت کل کشور به هزار نفر در سال ۱۳۸۵



هرم سنی جمعیت کل دنیا به هزار نفر در سال ۲۰۰۸



منبع: سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹

نسبت جوانی جمعیت کشور (شاخص ورتهایم)

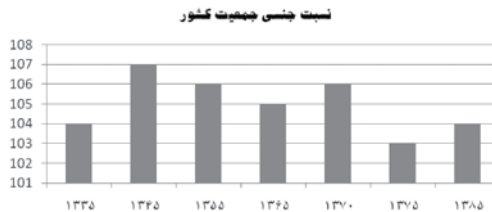
در جدول زیر شاخص جوانی که همان شاخص ورتهایم است را مشاهده می کنید. این شاخص نشانه آن است که سهم جمعیت زیر ۱۵ سال کشور طی سال های گذشته کاهش یافته است و این به علت کاهش آهنگ رشد جمعیت در این سال هاست. میزان جوانی جمعیت را با آزمون ورتهایم می سنجند. به جمعیتی که رابطه مزبور در آن صدق کند، جمعیت جوان گفته



منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

نسبت جنسی جمعیت کشور

این نسبت حاصل تقسیم تعداد مردان به زنان ضربدر ۱۰۰ است. در صورتی که این شاخص از ۱۰۰ کمتر شد تعداد زنان بیشتر است و اگر بیشتر از ۱۰۰ شد تعداد مردان بیشتر خواهد بود.



منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

نسبت سالخوردگی جمعیت

این نسبت حاصل تقسیم جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر به جمعیت زیر ۱۵ سال است. ملاحظه می‌شود با توجه به سیاست‌های دولت‌های وقت، این شاخص افزایش یافته است که نشانه پیرتر شدن جمعیت می‌باشد.

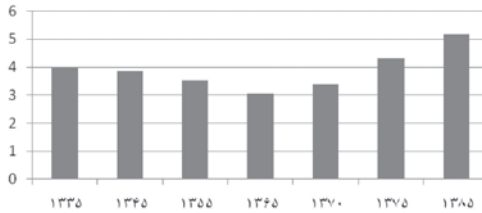


منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

میزان سالخوردگی جمعیت

این میزان حاصل تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر به کل جمعیت است. ملاحظه می‌شود با توجه به سیاست‌های دولت‌های وقت، این شاخص نیز افزایش یافته است که نشانه پیرتر شدن جمعیت می‌باشد.

میزان سلخوردگی جمعیت

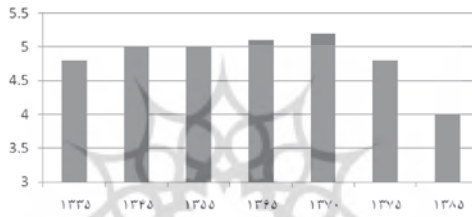


منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

متوسط تعداد افراد در خانوار کشور (بعد خانوار)

خانوارها که از سال
خانوار با توجه به

متوسط تعداد افراد در خانوار کشور بعد خانوار



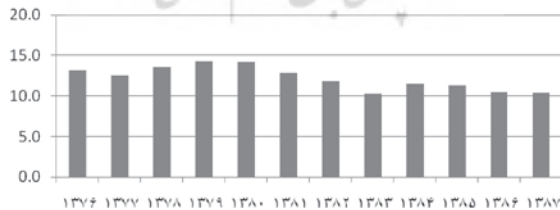
این شاخص عبارت
۱۳۷۰ به بعد کاهش
سیاست‌های کاهش

منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

آهنگ بیکاری در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر

این شاخص عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)،
ضرب در ۱۰۰.

نرخ بیکاری در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر



منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۷

۲-۲- عوامل مؤثر بر جمعیت و حرکات جمعیتی

۲-۲-۱- مهمترین عوامل مؤثر بر جمعیت

۲-۲-۱-۱- باروری و موالید

در بحث موالید، «تعداد نوزادان زنده به دنیا آمده در مقطعی از زمان و در یک محدوده جغرافیایی» مورد نظر می‌باشد. در حالی که باروری به «توان بالقوه یک جمعیت برای بچه دار شدن» اطلاق می‌گردد. به عبارتی دیگر در بحث موالید، تعداد نوزادان مورد سنجش قرار می‌گیرد، درحالی‌که در باروری گروه مولد جامعه یعنی زنان در سنین باروری (معمولاً ۱۵-۴۹ ساله) که دارای حداکثر پتانسیل باروری و زاد و ولد هستند مورد بررسی می‌باشند. (حلم سرشت، ۱۳۸۸، ص ۴۵)

عواملی چند در میزان باروری زنان تأثیر می‌گذارد که به برخی از این عوامل اشاره می‌گردد:

الف) شرایط محیطی و اقلیمی

شرایط محیط با تأثیر بر جنبه‌های زیستی و جسمانی باروری سیر طبیعی آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد. مثلاً در مناطق با ارتفاع بالاتر و فشار پایین هوا میزان لقاح پایین تر گزارش شده است یا دمای محیط به طرق مختلف بر میزان باروری تأثیر می‌گذارد، بدین ترتیب که فرضاً در مناطق گرمسیر سن بلوغ دختران به مراتب پایین تر و مثلاً در عربستان و عراق حدود ۱۰-۹ سالگی و در مناطق سردسیر و گرمسیر اختلاف محسوسی در سن بلوغ و یائسگی وجود دارد. پایین بودن سن بلوغ و بالا بودن سن یائسگی دوره باروری را افزایش می‌دهد. (حلم سرشت، ۱۳۸۸، ص ۴۶)

ب) شرایط اقتصادی

شرایط اقتصادی بطور مستقیم و غیرمستقیم عاملی در جهت افزایش یا محدودیت موالید می‌باشد. هرچند مجموعه‌ای از سایر عوامل بطور غیرمستقیم در میزان موالید دخیل می‌باشند و تحلیل مسائل را پیچیده تر می‌کنند از جمله سطح اطلاعات، آموزش و مسائل اجتماعی، قاعدتاً خانواده‌های با وضعیت اقتصادی پایین تر از شرایط بهداشتی نامناسب‌تری برخوردارند.

ج) شرایط اجتماعی

یکی از عوامل کلیدی که در رشد جمعیت تأثیر می‌گذارد، مسائل اجتماعی، عرف، اعتقادات و مسائل مذهبی در یک جامعه است. کلیه عواملی که در زیر نام برده می‌شود در زیرگروه شرایط اجتماعی بر میزان باروری و مولید اثر می‌گذارد. (Bongaarts, 1994, 771-776)

۱- دوره زندگی مشترک

۲۵ درصد تولدها در ۱ تا ۵ سال اول زندگی زناشویی و ۵۵-۵۰ درصد تولدها در ۵ تا ۱۵ سال اول زندگی مشترک رخ می‌دهد، لذا دوام ازدواج و طول دوره زندگی مشترک بر میزان باروری تأثیر می‌گذارد.

۲- همگانی بودن ازدواج

در کشورهای در حال توسعه، دیر یا زود ۱۰۰-۹۵ درصد زنان ازدواج می‌کنند، در حالیکه این درصد در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته ۹۰ درصد و در برخی کشورها حدود ۷۰ درصد است. این مسأله زنگ خطری است برای کشورهای توسعه یافته.

۳- ازدواج زودهنگام

در کشورهای در حال توسعه سن ازدواج پایین تر است، فرضاً در هندوستان ۶۰ درصد دختران در سنین ۱۹-۱۵ سالگی ازدواج می‌کنند. معمولاً دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، تعداد فرزند بیشتری هم خواهند داشت.

۴- سطح سواد

تحقیقات مختلف نشان می‌دهند که در زنان با ارتقاء سطح سواد و ورود به اجتماع، سن ازدواج بالا می‌رود و تمایل به داشتن فرزند زیاد کمتر می‌گردد. از طرفی اطلاعات و امکانات دستیابی به وسائل تنظیم جمعیت و پیشگیری از بارداری افزایش می‌یابد. لذا بین سطح سواد و میزان باروری رابطه معکوس وجود دارد.

۵- سنت‌های اجتماعی

داشتن کودک از جنس (پسر یا دختر)، شرایط اجتماعی مؤثر در آمیزش‌های جنسی (نظیر مسائلی چون چندهمسری، ازدواج موقت و ...) هر یک به طریقی بر میزان باروری تأثیر می‌گذارند.

۶- اعتقادات مذهبی

در ادیان مختلف قوانینی وجود دارد که بر شیوع باروری بطور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال کاتولیک‌ها حق استفاده از وسایل پیشگیری را ندارند یا شیوع تعدد زوجین و سفارش ادیان بر ازدیاد نسل بر تعداد فرزند تأثیر گذار است.

۷- سایر عوامل

مسائلی چون جایگاه ارزشی زن در اجتماع، ارزش کودک در جامعه، اشتغال زنان و امنیت جامعه از جمله مسائل اجتماعی هستند که در میزان باروری مؤثر می‌باشند.

د) سیاست گذاری‌های کشوری

کشورهای مختلف بر مبنای رشد جمعیت و شاخص‌های بهداشتی و اقتصادی موجود، شرایط و سیاست گذاری‌های خاصی در زمینه باروری برقرار می‌نمایند. فرضاً در کشوری که رشد جمعیت منفی است، سیاست دولت بر تشویق به تشکیل و دوام خانواده‌ها و افزایش زاد و ولد می‌باشد. در حالیکه در کشورهای پرجمعیت سیاست‌های محدودکننده تعداد جمعیت وضع می‌گردد که به طرق مختلف از جمله عواملی که در زیر نام برده می‌شود بر رشد جمعیت جامعه تأثیر می‌گذارد. (حلم سرشت، ۱۳۸۸، ص ۴۹)

افزایش فاصله گذاری بین زایمانها منجر به کاهش میزان مولید می‌گردد.

بعد خانواده: در برخی کشورها بنا به مسائل خاص آن کشور سیاست‌هایی در جهت محدودیت بعد خانوار وجود دارد، از جمله چین که با قانون تک فرزندی تأثیر زیادی بر بعد خانوار به جا گذاشت.

ایجاد تسهیلات بهداشتی با کاهش بیماری‌های منطقه از راه جنسی (که می‌تواند عامل نازایی باشد) و بیماری‌هایی چون توکسوپلازموز و مالاریا که منجر به مرگ جنین می‌گردند، تغییراتی در جهت افزایش زاد و ولد بوجود می‌آید.

در دسترس قرار دادن خدمات آموزشی - مشاوره‌ای و وسایل پیشگیری از بارداری.

۲-۲-۱-۲-۲- مرگ و میر

بررسی عوامل مؤثر بر شاخص‌های مرگ و میر در مقایسه با باروری از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. چرا که در بحث باروری، فقط گروه جنسی زنان، در مقطع سنی خاص

(دوره بارداری) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حالیکه مرگ و میر، تمام گروه‌های سنی از هر دو جنس را شامل می‌شود.

از مهمترین عواملی که در میزان مرگ و میر تأثیر می‌گذارند عبارتند از:

۱- وراثت

طول عمر موروثی است. بسیاری از خانواده‌ها نسل اندر نسل از طول عمر بیشتری برخوردار هستند. از طرفی برخی بیماریهای ارثی با کشندگی بالا، میزان مرگ و میر را افزایش می‌دهند.

۲- نژاد

برخی نژادها از درجه حساسیت بیشتری به برخی بیماریهای کاهنده عمر برخوردار می‌باشند.

۳- جنس

مرگ و میر در مردان و زنان در سنین مختلف میزان متغیری به خود اختصاص می‌دهد. در مجموع مرگ و میر در مردان در اکثر گروه‌های سنی شایع‌تر از زنان است.

۴- تغذیه

سوءتغذیه منجر به کاهش سطح ایمنی بدن و افزایش احتمال ابتلا به بیماریها و مرگ و میر می‌گردد.

۵- شیوه زندگی

سبک زندگی، فعالیتها و شرایط محیط زندگی همگی در سلامت یا ابتلا به بیماریها مؤثر است. فرضاً فردی که در محیط شهری زندگی می‌کند، هرچند از تسهیلات بیشتری برخوردار است ولی به دلیل فزونی آلودگی‌های صوتی، آلودگی‌های هوا و استرس‌های مختلف زندگی شهری از جمله مشکلات مسکن، شغل، درآمد و ... احتمال بالاتری برای ابتلا به بیماریهای روانی و سایکوسوماتیک دارد. (Cassen, 1994)

به دنبال پیشرفت‌هایی که از آغاز قرن سیزدهم هجری همگام با پیشرفت فناوری در کشورهای توسعه یافته روی داد و کشفیات مهم علمی همچون کشف آنتی بیوتیک و واکسن منجر به پیشگیری و تحدید بیماری‌های عفونی - که عامل اپیدمی‌های وسیع با مرگ و میر بالایی بوده‌اند - گردید و همچنین بهبود کیفیت زندگی و بهداشت همگانی، میزان مرگ و میر کاهش چشمگیری یافته است. از مهمترین عواملی که در کاهش

مرگ و میر تأثیر داشته اند به موارد زیر می توان اشاره نمود:
مبارزه مؤثر با بلایای طبیعی مانند قحطی و خشکسالی که یک عامل طبیعی تنظیم جمعیت بود.

مبارزه همگانی با بیماری های عفونی شدید مانند وبا، آبله و طاعون پیشرفت علم پزشکی و کشف آنتی بیوتیک، واکسن، داروهای جدید، آفت کش ها بهبود وضعیت ارائه خدمات بهداشتی درمانی و گسترش نظام شبکه تأثیر گذاری برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های کشوری بهبود وضعیت تولید، حفظ، نگهداری و توزیع مواد غذایی کمک های بین المللی در زمینه های بهداشتی به خصوص به هنگام حوادث نابهنگام ایجاد آگاهی اجتماعی در توده های مردم پیشرفت و نفوذ فناوری در علم پزشکی که منجر به تشخیص سریع تر و دقیق تر بیمارها می گردد.

تأثیر موارد فوق بسیار سریع و محسوس بود ولی با توجه به اینکه پس از این مبارزه با بیماری های کاهنده مرگ و میر باید مدنظر قرار گیرد، همچون مبارزه با بیماری های ژنتیک و غیر واگیر، بهبود تغذیه و اصلاح وضعیت محیط زیست و مبارزه با بیماری های نوظهور و حتی تغییر در شیوه زندگی می باشد که روندی دراز مدت دارد، لذا برای ایجاد تغییرات کاهنده بعدی پیشرفت بسیار کندتری را انتظار خواهیم داشت.

۲-۲-۱-۳- مهاجرت

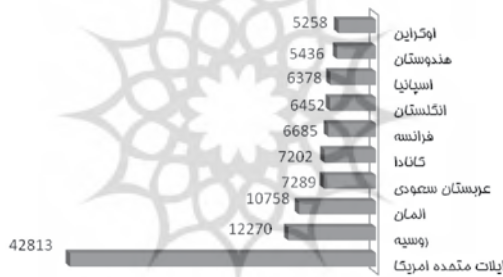
یکی از موارد بسیار مهمی که تحت عنوان حرکات جمعیتی مورد بررسی قرار می گیرد، حرکات جغرافیایی جمعیت یا مهاجرت می باشد. پیش از ذکر تأثیراتی که مهاجرت در جامعه به جا می گذارد، به توضیح کوتاهی در خصوص تقسیم بندی جمعیت بر حسب انجام یا عدم انجام مهاجرت می پردازیم.

بطور کلی منطقه ای که مهاجرت (به داخل یا خارج) نقش چندانی در تعداد افراد آن منطقه ندارد و تنها تفاضل زاد و ولد و مرگ و میر عامل اصلی نوسانات جمعیت می باشد، «جمعیت بسته» نامیده می شود. مسائل سیاسی و موانع جغرافیایی نقش مهمی در ایجاد جمعیت بسته دارند. چنین جوامعی فرهنگی دست نخورده و ابتدایی داشته و تبادلات

اطلاعاتی نیز نقش کمتری در پیشرفت جامعه دارد. از طرف دیگر جمعیتی که مهاجرت (به داخل یا خارج) عامل مهمی در نوسانات تعداد جمعیت آن (علاوه بر زاد و ولد و مرگ و میر) باشد، «جمعیت باز» نامیده می‌شود. تسهیلات حمل و نقل، ارتباطات و سیستم تجارت بین المللی از عوامل ایجاد جمعیت باز می‌باشند.

در آخرین آماري که موجود می‌باشد کل مهاجرت در دنیا در سال ۱۳۸۸، برابر با ۲۱۳ میلیون نفر بوده است که ده کشور حدود ۵۲ درصد از این مهاجرت را به خود اختصاص داده‌اند. دلایل پذیرش مهاجر عبارتند از: رشد اقتصادی بالا، رشد جمعیت پایین بعثت سیاست‌های جمعیتی کاهنده و در نتیجه خطر بزرگ جمعیت غیر بومی در کشور. در این میان کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده امریکا با حدود ۴۳ میلیون نفر پذیرش مهاجر جزو مهاجر پذیرترین کشورهای دنیا هستند.

ده کشور با پذیرش بیشترین مهاجرت (هزار نفر)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۲-۱-۴- ازدواج و طلاق

مواردی چون ازدواج و طلاق با تأثیرات مثبت و منفی بر دوره زندگی مشترک زناشویی و موقعیت باروری بر میزان زاد و ولد مؤثر می‌باشند. طبیعتاً جامعه ای که در آن سن ازدواج پایین، دوره زندگی مشترک طولانی و میزان طلاق در حد کمی باشد، موقعیت باروری مناسب تر بوده و میزان زاد و ولد افزایش می‌یابد. بنابراین پدیده هایی چون ازدواج و طلاق با تأثیراتی که بر میزان زاد و ولد می‌گذارند، می‌توانند منجر به حرکات جمعیتی و نوسان در تعداد و حتی توزیع جمعیت گردند.

۴- سیاست‌های جمعیت‌زدایی

۴-۱- عوامل موثر بر سیاست‌های جمعیت‌زدایی

مدرنیته و مولفه‌های آن

مدرنیته با تمام جنبش‌هایی که از دل آن جوشید، شیوه‌های زندگی انسان‌ها را به غایت دگرگون ساخت. تغییر الگوی خانوادگی، فردگرایی، آزادی جنسی، اشتغال تمام وقت به خصوص برای زنان، افزایش هزینه‌های نگهداری و بزرگ کردن فرزندان به دلیل سیاست‌های مصرف‌گرایی اقتصاد بازار و اشتغال مادران و پیدایش تکنولوژی‌های تحدید بارداری، شهرنشینی و... عواملی بودند که به خودی خود به کاهش جمعیت در کشورهای غربی انجامید. اتفاقاً به دلیل اینکه کاهش جمعیت تحت تاثیر ابعاد مدرنیته و در یک فرآیند زمانی قابل توجه رخ داده، در رفتارهای روزمره انسان غربی رسوخ کرده است. به عبارت دیگر تحدید جمعیت به یک عادت برای او تبدیل شده است. عادت‌هایی که با ساختار زندگی جدید او کاملاً هماهنگ است. بر همین اساس است که کشورهای توسعه یافته‌ای که با رشد منفی جمعیت مواجه شده‌اند نتوانسته‌اند با تبلیغات، مردم را به فرزندآوری بیشتر ترغیب کنند و ناچارند مهاجرین و پناهندگان را با سهولت بیشتری بپذیرند. دلیل این مسأله هم آن است که ترغیب مردم به ازدواج و بچه‌دار شدن با وجود ساختارهایی که همه به کاهش جمعیت دعوت می‌کنند، کار آسانی نیست. آن‌ها مردمی که خود را متقاعد کرده‌اند که بچه‌دار شدن فقط به دردسرهای آن‌ها می‌افزاید. (McIntosh, 1995, 223-260)

یکی از این ساختارها پدیده شهرنشینی است. اصولاً صنعتی شدن مستلزم شهرنشینی است. امکانات شغلی فراوانی که در شهرها پدید می‌آید سبب ایجاد جریان یک سویه مهاجرت از روستا به شهر می‌شود. شهرنشینی یا مهاجرت، فقط پدیده‌ای مکانی، حاکی از تحرک جغرافیایی نیست؛ بلکه شهرنشینی مستلزم رفتارهایی معین و ساختارهای فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی متفاوت و مشخص است. از آن جمله:

- ۱- تراکم جمعیت در شهرها در معماری و خانه‌سازی‌ها اثر می‌گذارد.
- ۲- سبک خانه‌سازی در شهرها - آپارتمان‌نشینی - ابعاد خانوار را کوچک می‌کند.
- ۳- خانواده‌ها به دلیل تضعیف روابط خویشاوندی، به سوی سرگرمی‌های نوین و

لذت‌های جایگزین کشیده می‌شوند.

۴- به دلیل جذابیت‌های شهری، زاغه‌نشینی در حومه شهرها گسترش می‌یابد. زاغه‌نشینان غالباً افراد مهاجری هستند که از مهارت کافی برای ورود به بازار کار برخوردار نیستند. در چنان فضایی شبکه رفتاری و اخلاقی خاصی پدید می‌آید. این بافت جدید مستعد بروز انواع آسیب‌های اجتماعی است.

۵- جمعیت متراکم در شهرها اگر نوجوان و جوان باشند، نیاز به نگهداری و آموزش و پرورش دارند. دولت‌ها باید این جمعیت را تعلیم داده و مشغول نگهدارند، در حالی که آنان از نظر اقتصادی در آن سنین مولد نیستند. تحمل این هزینه خود مقوله اقتصادی مهمی است.

در بعد اقتصادی نشانه مدرنیته همان نظام سرمایه‌داری و دولت رفاه می‌باشد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

الف- الزامات پذیرش نظام سرمایه‌داری

مطالعه تاریخ جهش‌های اقتصادی جهان، به ویژه کشورهای توسعه یافته، نشان می‌دهد که سیاست‌های تنظیم جمعیت همواره تابعی از وضعیت اقتصادی یا به تعبیر صحیح‌تر متناسب خواست نظام سرمایه‌داری بوده است.

نظام‌های سرمایه‌داری با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و جمعیتی معینی ارتباط دارند. این ساختارها در نظام سرمایه‌داری به صورتی طراحی می‌شوند که بتوانند به طور سیال در اختیار نظام سرمایه‌داری قرار گرفته و به آن کمک برسانند. سیاست‌های مربوط به تنظیم جمعیت، تنظیم خانواده و بهداشت زادآوری نیز از این واقعیت مستثنی نیستند. بنابراین در هر شرایطی که نظام سرمایه‌داری برای حفظ چرخه تولید و مصرف خود به افزایش جمعیت نیاز داشته، آن را توصیه و راهبردی کرده است و هرگاه که کاهش جمعیت برای حفظ و تداوم این نظام مطلوب بوده، به سیاست‌های کاهش جمعیت روی آورده است. (Casterline, 2000, 691-723)

البته واضح است که سرمایه‌داری از جهاتی به جمعیت و افزایش آن وابسته است. برخی از این جهات از قرار ذیل هستند:

۱- تولید به نیروی انسانی وابستگی دارد.

۲- تعادل بازار کار به سود سرمایه‌داران، براساس تقاضای بیشتر فرصت‌های شغلی و

عرضه کمتر این فرصت‌ها مبتنی است. به عبارت دیگر هر چه جمعیت جوان جویای کار بیشتر باشد، نظام سرمایه‌داری قدرت بیشتری برای تحدید دستمزدها و مسایل مشابه خواهد داشت.

۳- فراوانی مصرف چه در داخل مرزها و چه در خارج آن‌ها موجب رونق تولید و تولید بیشتر موجب سود فراوان‌تر برای سرمایه‌داران می‌شود.

از نکات یاد شده، قاعدتاً این نتیجه حاصل می‌شود که افزایش جمعیت برای نظام سرمایه‌داری مفید است؛ اما مسأله این است که با پیدایش دولت‌های رفاه در دهه‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۶۰، افزایش جمعیتی که برای نظام‌های سرمایه‌داری کارآمد بود، خود به مشکلی برای دولت‌ها بدل گردید. (نولان، ۱۳۸۶، صص ۴۴۶ تا ۴۴۹) از این رو می‌بایست نظام سرمایه‌داری منافع خود را از طریق دیگری تأمین کند. شاید بتوان گفت که از یک سو ماشینی شدن صنعت و از سوی دیگر به وجود آمدن فضاهاى مجازى برای اقتصاد، اتکای نظام سرمایه‌داری را به نیروی انسانی کم کرد. این اتفاق در حالی افتاد که تقاضای شغلی کماکان وجود داشت. از سوی دیگر فراوانی مصرف که تا قبل از آن وابسته به کمیت نیروی انسانی و خواسته‌های رو به تزاید او برای زندگی بود؛ به صورت دیگری تداوم پیدا کرد. اصالت بخشیدن به لذت، تنوع و فزون‌خواهی - در مقابل مفاهیمی مانند قناعت - باعث شد که مصرف و مصرف‌زدگی به فرهنگ رایج مردم بدل شود. صنایع تبلیغاتی - تجاری گسترده، عملاً مردم را تحت فشار روانی نهاده و مصرف آن‌ها را بسیار شدت و سرعت بخشیده است. طبق گزارش تحلیل‌گران غربی، حجم مصرف آمریکایی‌ها که با این فرهنگ خو گرفته‌اند بسیار بالاست؛ به طوری که در دهه آینده با آنکه چینی‌ها و هندی‌ها هر کدام ۱۰ برابر آمریکایی‌ها به جمعیت کره زمین اضافه می‌کنند، اما فشاری که از جانب آمریکایی‌های امروزی بر طبیعت زمین وارد می‌شود، بیشتر از آن مقداری است که مجموع چینی‌ها و هندی‌ها وارد می‌کنند.^۱ بنابراین کاهش جمعیت هم به سود دولت رفاه بوده و هم در حوزه داخلی و خارجی ضرری به نظام سرمایه‌داری نروده است. در یک جمله می‌توان گفت در مجموع نگرش اقتصادی به جمعیت با سیاست‌های کاهش جمعیت در برهه‌ای تاثیرگذار از زمان، کاملاً موافق بود.

۱- البته همانطور که اشاره شده دیدگاه‌های سیاسی - اقتصادی راجع به تنظیم جمعیت سابقه طولانی‌تری برای تشکیل دولت‌های سرمایه‌دار دارند لیکن اهمیت یافتن انباشت سرمایه و سود و پیدایش گسترده نظام‌های سرمایه‌داری در معنای خاص آن که ملازم با صنعتی شدن اروپا و آمریکا بود در این جهت تاثیر قابل توجهی داشت.

جمعیت‌شناسان فراوانی که به نفع نظام سرمایه‌داری نظر می‌دهند، معتقدند که «توسعه اقتصادی امروز، نیاز به جمعیت محدود، اما با کیفیت و کارآیی بالا دارد.» (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۴۹) در حالی که کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی خود نیاز به جمعیت جوان و نیروی کار در حال رشد دارند و اگر این نیروی کار را از دست بدهند به کشورهای استعمارگر غربی وابسته خواهد شد. (Casterline, ۲۰۰۰, ۶۹۱-۷۲۳)

ب- دولت رفاه

پیرو تغییرات گسترده‌ای که در ساختار فرهنگی - اجتماعی غرب رخ داد دولت‌های رفاه با تمرکز براندیشه «پیشرفت‌گرایی اجتماعی» برنامه‌ریزی کلانی کردند. دولت‌های رفاه یا همان دولت‌های حداکثری، کوشیدند که در همه عرصه‌های مربوط به زندگی شهروندان وارد شده و اغلب حوزه‌های زندگی آنان را مدیریت کنند. (گردنر، ۱۳۸۸، صص ۳۳ و ۱۲۵)

صرف‌نظر از تحولاتی که در شیوه‌های زندگی و رفتار افراد در دهه‌های میانی قرن گذشته اتفاق افتاد، دولت‌های رفاه مستقیم و غیرمستقیم بر خانواده‌ها تاثیر گذاشتند. دولت رفاه برای رساندن افراد خانواده به حداکثر آسایش - براساس آموزه‌های فردگرایانه- با پاره پاره کردن مسؤولیت‌های خانواده، اکثر آن‌ها را خود بر عهده گرفت. یکی از نتایج این کار، بالا رفتن هزینه‌های دولت رفاه برای اداره جامعه بود. این مسأله دو نتیجه مهم در برداشت:

۱- آن که خود دولت‌ها برای تحمل این بار به طور مستقیم وارد عمل شدند. این غرض با تشویق و دعوت خانواده‌ها به کم کردن هزینه‌های مربوط صورت گرفت. به طور قطع یکی از راه‌های رسیدن به این غرض، کوچک کردن خانواده‌ها بود. راهبرد مهم آن هم کاهش جمعیت و دعوت خانواده به جلوگیری از بارداری و تنظیم زاد و ولد بود.

۲- آن‌که همسران برای شرکت در فرآیند پیشرفت‌گرایی که شعار دولت‌های رفاه بود و برآمدن از پس مالیات‌هایی که بر درآمدها بسته می‌شد، ناچار بودند که به اشتغال تمام وقت بپردازند. (گردنر، ۱۳۸۸، ص ۴۶۰) اشتغال تمام وقت زنان نیز تاثیر شایانی در کم شدن زاد و ولد داشت. (نولان، ۱۳۸۶، ص ۴۶۰)

امر اخیر تاثیر غیرمستقیم دولت رفاه بر برنامه‌های تنظیم خانواده به حساب می‌آید. بر همین اساس بود که دولت‌های رفاه برنامه‌های مربوط به تحدید جمعیت و تنظیم

خانواده‌ها را در دستور کار قرار دادند. این برنامه‌ها از طریق تشویق مردان و زنان به ازدواج در سنین بالاتر، تشویق مراکز پزشکی به بهداشت باروری، تولید و تنوع بخشی به وسایل تحدید بارداری، اولویت دهی به فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت در برنامه‌های توسعه برای زنان و اموری از این دست دنبال شد. همزمانی این فعالیت‌ها با نهضت سقط جنین ابعاد گسترده‌ای ایجاد کرد. بدیهی است که اصالت دادن به پیشرفت اجتماعی، هم‌بچه‌دار شدن زوج‌های جوان را به تعویق می‌اندازد و هم رفتار مردان با زنان را براساس تساوی و برابری کامل، اجتناب ناپذیر می‌سازد. رفتار زناشویی براساس الگوی برابری، خود به خود بر تعداد فرزندان و فاصله‌گذاری بین بارداری‌ها اثر کرده، و موجب جمعیت می‌گردد.

آثار و پیامدهای کاهش جمعیت

الف- تغییر نظام‌های تربیتی و مفاهیم اخلاقی

«خانواده‌های کم جمعیت ممکن است ثروتمند شوند؛ اما ثروتمند شدن آنان از فقیر ماندنشان خطرناک‌تر است. (Warwick, ۱۹۸۲)»

مطلب یاد شده به واقعیتی اشاره دارد که نمی‌توان از آن غفلت کرد. در مباحث جمعیت‌شناختی غالباً به آسیب‌هایی اشاره می‌شود که از ترکیب فقر و پرجمعیتی خانواده‌ها به وجود می‌آید. در این میان به آسیب‌های اخلاقی و تربیتی‌ای که متوجه خانواده‌های کم جمعیت به ویژه تک فرزند است و همچنین به منافع و فوایدی که در خانواده‌های پرجمعیت وجود دارد، دقت نمی‌شود. «ترکیب رفاه و تک فرزندی» هم خود مقوله‌ای است که می‌تواند باعث بروز مشکلات فراوانی شود. این مشکلات هم در مطالعات خانواده قابل توجه‌اند و هم در مطالعات اجتماعی. مناسب است که ما زاویه نگاه خود را درباره هر دو ترکیب، کمی گسترش دهیم.

۱- در ابتدا باید پرسید آیا جمعیت بیشتر مستلزم فقر است؟ به طور قطع نمی‌توان این الزام را پذیرفت که جمعیت زیاد با فقر ملازم باشد. به طور مثال کشور چین با ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون جمعیت در وضعیتی کاملاً متفاوت با کشور هند با جمعیتی قریب همان جمعیت، قرار دارد. همچنین خانواده‌های پرجمعیت زیادی وجود دارند که به اتکای فراوانی و جوانی افراد، فعال‌تر و بانشاط بوده و به سلامت و صحت زندگی می‌کنند.

اگرچه خانواده‌های پرجمعیتی هم وجود دارد که به دلیل شرایط اجتماعی - اقتصادی دیگر، تعداد افراد خانواده برای آن‌ها ایجاد مشکل کرده است. در عین حال می‌توان پذیرفت که اگر خانواده‌ای پرجمعیت در بستر فقر اجتماعی قرار گیرد مشکلاتش افزوده می‌شود. به عبارت دیگر در چنان شرایطی خانواده‌های کم جمعیت مشکلات کمتری را تحمل کرده و به مراتب نگرانی‌های کمتری نیز در پیش رو دارند.

ترکیب «تک فرزندی و رفاه» نیز بر رفتار والدین و کودکان تاثیر فراوانی دارد. کودکان در خانواده‌های تک فرزندی در سلسله‌ی فراوانی از خواسته‌های بی‌پایان خود رشد می‌کنند که همه یا اکثر آن‌ها اجابت می‌شود. مفاهیم اخلاقی‌ای نظیر کف نفس و قناعت، ایثار و گذشت برای دیگری، تلاش در جهت استقلال شخصیت به گونه‌ای مسؤولانه برای این کودکان تجربه نمی‌شود. از سوی دیگر به دلیل اصالت رفاه و لذت، والدین نیز فرزند بیشتر را «مزاحم» تلقی می‌کنند. بدیهی است که فرزندان در رشد و ارتقای شخصیت والدیشان تاثیر دارند. در خانواده‌های تک فرزند، والدین نیز از تاثیرات مثبت فرزندان، کم بهره می‌مانند. (Warwick, ۱۹۸۲)

بنابراین اگر در نگرش دینی قناعت، ایثار، تمرین اخلاقی، کار و تلاش برای رشد و راحتی دیگران... فی نفسه ارزش است و رفاه و لذت مادی در درجه دوم اعتبار و اهمیت قرار دارد، سیاست‌های کاهش جمعیت تا حد پیدایش خانواده‌های تک فرزند از این منظر می‌توانند مورد تجدید نظر یا سوال قرار بگیرند.

در گذشته نگرش‌های جامعه‌شناختی، آثار اخلاقی فراوانی را برای جمعیت، در اجتماع قایل بود. برای مثال دورکیم برای تراکم جمعیتی دو اثر مثبت می‌شمرد: اول آنکه تراکم جمعیتی باعث تقسیم کار دایم و بهتر در طول توسعه اجتماعی می‌شود. دوم آنکه این تراکم باعث تراکم اخلاقی می‌گردد. از نظر دورکیم جمعیت بیشتر باعث می‌شود روابط بیشتری بین انسان‌ها برقرار شود. افزایش سطح روابط، تحرک فزاینده‌ای ایجاد می‌کند که به خلاقیت و در نهایت پیشرفت سطح تمدن منتهی می‌شود. وی معتقد بود زمانی که جمعیت قابل توجه باشد، افراد ناچارند برای حفظ موجودیت خود کار و تحرک بیشتری داشته باشند؛ این تحرک وافر نیز باعث ایجاد و تحقق فرهنگی بسیار بالاست. شاید بتوان مراد دورکیم را چنین توضیح داد که مردم در سایه کار و تقسیم آن به انسان‌های خود ساخته‌تر، منضبط‌تر و متعامل‌تری بدل می‌شوند. در چنین ساختی دوره کودکی کوتاهتر است و

انسان‌ها زودتر وارد دوره پختگی و تلاش می‌شوند. (گی‌روشه، ۱۳۸۷، صص ۴۱ و ۴۲) علاوه بر نکته یاد شده اولویت یافتن مهار جمعیت که خود تابعی از اولویت یافتن رفاه و لذت مادی بود، باعث تغییر رفتارهای جنسی مردان و زنان گردید. دستیابی دختران و پسران در سنین مختلف به فناوری‌های جلوگیری از بارداری و ایمن شدن از بارداری‌های ناخواسته جرئت و جسارت دختران و پسران و مردان و زنان را برای ایجاد روابط خارج از چهارچوب خانواده افزایش داد. علاوه بر آن، اهداف کاهش جمعیت دست‌آویز مناسبی برای مدافعان سقط جنین در دنیا گردید. جنبش جمعیت، چندین دهه است که در حال ترویج این موضوع است که کودک ناخواسته و فراوان، علت فقر و تنگدستی اقتصادی در سراسر جهان است. (گردنر، ۱۳۸۸، ص ۲۸۷)

عقیم‌سازی، کاهش زاد و ولد و سقط جنین که آرمان جهانی را رفع فقر و ایجاد جامعه‌ای متکامل معرفی نمود، مبنای جنبش اصلاح نژادی گردید. تمام این نظریات برای پیشبرد اندیشه دستیابی به پیشرفت اجتماعی بدون نیاز به دین و اخلاق مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. (گردنر، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸)

تمام اقدامات وحشیانه و غیراخلاقی که به دنبال سقط جنین‌های اختیاری پدید آمده، به وسیله سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی و یونیسف در حال پیاده شدن در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته‌اند. (گردنر، ۱۳۸۸، ص ۲۹۰) این زنگ خطری است که مدت‌هاست به صدا درآمده است.

متأسفانه این پیامدها فقط در همین حد نمانده است. به بهانه کاهش جمعیت، هنجارهای بسیاری در روابط جنسی در حال تغییر است. سازمان «پلانید پرنه هود» با ۳۰ هزار کارمند رسمی و داوطلب ۱۷۲ شعبه در ایالات متحده و حدود ۵۰ شعبه در کانادا، بودجه‌ای ۳۸۰ میلیون دلاری در اختیار دارد. این سازمان مروج روابط جنسی آشکار و برگزارکننده کلاس‌های آموزش جنسی است که فقط بر مدل پیشگیری از بارداری مبتنی می‌باشد و می‌کوشد تا همجنس‌بازی را عادی سازد. (Winckler, ۲۰۰۲, ۳۷۹-۴۱۸)

ب- کاهش نشاط اجتماعی - اقتصادی

یکی از مشکلات جوامع توسعه یافته و کم جمعیت، پیری و در نتیجه عدم نشاط اقتصادی - اجتماعی آنهاست. بدیهی است که رونق اقتصادی به نیروی جوان وابسته است. زمانی که جوامع پیر می‌شوند، دولت‌ها و صاحبان سرمایه، احساس خطر می‌کنند.

جوانان مایه پویایی و سرزندگی جوامع هستند. اکثر جهش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز از دل نیروهای جوان جوشیده است. شیراک، نخست وزیر وقت فرانسه، درباره کشورهای مدرن اروپایی پیش‌بینی کرد: اروپا در حال محو شدن است. به زودی کشورهای ما خالی می‌شوند. به همین دلیل بعضی کشورهای بزرگ از جمله کانادا به طور جدی روی برنامه مهاجرت‌پذیری، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در حال حاضر ایالت کبک در کانادا حمایت از زادآوری را شروع کرده است. در این ایالت برای نوزادان جدید ۷۵۰۰ دلار نقد در نظر گرفته شده است. (گردنر، ۱۳۸۸، ص ۲۹۶) بنابراین باید محاسبه کرد که آیا اجرای سیاست‌های کاهش جمعیت و ایجاد رفاه کامل برای مقطعی از عمر جوامع، به پیری و فرسودگی دائمی یا دراز مدت آن‌ها ترجیح دارد یا خیر؟ زمانی که سیاست‌های کاهش جمعیت اعمال می‌شود، رفتارهای زادآوری افراد تغییر می‌کند و عادت‌های نوین جایگزین می‌شود، دیگر جوان کردن جامعه به سهولت ممکن نیست.

ج- کاهش اقتدار سیاسی، تغییر در ترکیب‌های دینی

افزایش جمعیت جوان کشورهای اسلامی مسأله عمده‌ای است که از سوی قدرت‌های استعماری به عنوان خطر تلقی شده است. «ساموئل هانتینگتون» در بخشی از مصاحبه خود درباره تمدن اسلام و چین و چالش آن‌ها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون مسلمانان گفت:

تمدن اسلام تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست. چرا که این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی، شاهد آن هستیم این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند. تحلیل‌گران غربی هراسناک، جمعیت جوان کشورهای اسلامی را تحلیل می‌کنند. در شرایط فعلی موازنه جمعیت جوان و تحصیلکرده جهان، به نفع کشورهای اسلامی رقم می‌خورد. از سوی دیگر همین جمعیت جوان و آگاه است که انرژی خود را صرف دفاع و حمایت از کشور و نوامیس خود و باطل ساختن توطئه‌های قدرت‌های استکباری می‌کند. به همین دلیل این جمعیت، خطر بزرگی بر سر راه اهداف آن‌ها محسوب می‌شود. (Winckler, ۲۰۰۲, ۳۷۹-۴۱۸)

افزایش جمعیت مسلمانان در درون کشورهای غربی نیز نگرانی دیگر قدرت‌های بزرگ است. رشد منفی جمعیت نژاد اروپایی و زاد و ولد زیاد مسلمانان، می‌تواند در بسیاری از

مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مزبور اثر بگذارد. از موضع گیری هایی که در مقابل جمعیت مسلمانان می شود، به دست می آید که جمعیت، عاملی مهم در اقتدار سیاسی است. این مسأله در موارد دیگر هم صادق است. امروزه کشور چین با جمعیت فراوانش یک تهدید جدی برای قدرت های بزرگ به حساب می آید. البته روشن است که جمعیت به کمک عوامل دیگری چون پویایی اقتصاد، اصرار بر حفظ ارزش های ملی، دینی و سنتی با اتکا بر فرهنگ و اجتماعی غنی، چنان تأثیری را بر جای خواهد گذاشت.

«هانری ژان» جمعیت شناس می نویسد:

«از لحاظ اقتصادی افزایش یا کاهش جمعیت می تواند هم دوره های رونق و هم دوره های رکود نامناسب را به دنبال داشته باشد؛ زیرا عوامل دیگری غیر از جمعیت نیز دخالت می نمایند.» (گی روشه، ۱۳۸۷، ص ۴۳)

ضرورت توجه به رویکرد دینی درباره جمعیت

نکته مهم دیگر در بحث تحدید جمعیت و تنظیم خانواده آگاهی از رویکرد دینی در این باره است. حکومت دینی نمی توانند در طراحی موضوعات اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی نسبت به اولویت های دینی بی تفاوت باشد. اگرچه احراز نظریه قاطع دینی درباره تحدید جمعیت، به عنوان یک پدیده اجتماعی، چندان راحت نیست؛ اما آگاهی دولتمردان از آنچه در متون مربوطه آمده، یک ضرورت است. در آیات و روایات زیادی موضوعاتی طرح شده که هر کدام به نوعی با مسأله تحدید جمعیت نفیاً و اثباتاً مرتبط هستند.

الف - اولین مسأله، ازدواج است. در آیات قرآنی و روایات، تشویق فراوانی به ازدواج و خروج از مجرد شده است. (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۵۷) بدیهی است که یکی از نتایج ازدواج در اغلب موارد تولید و احیاناً تکثیر نسل است. در برخی روایات توصیه به ازدواج به هدف تکثیر نسل، صورت گرفته است. (حر عاملی، ص ۳)

ب - آیات و روایاتی وجود دارد که فزونی جمعیت مسلمانان را یک معیار مهم هم در دنیا و هم در آخرت قرار داده است. فرزندان در دنیا زینت، مایه استعانت (اصول کافی، ص ۲)، امداد و، قدرت و مایه غلبه مومنان و در آخرت مایه مباهات پیامبر اسلام (ص)

(حرّ عاملی، ص ۳۳) معرفی شده‌اند. برخی محققان از مجموع این روایات اصل اولی را استحباب تکثیر نسل دانسته‌اند.

ج - در روایات متعددی فرزندکشی امتناع از فرزنددار شدن به دلیل ترس از فقر مورد نکوهش قرار گرفته است. (کلینی، ۱۳۸۵، ص ۲)

د - از سوی دیگر در آیات و روایات دیگری اوصافی برای فرزند و زادآوری وجود دارد که اگر وصف مشعر به علیت باشد یعنی تا حدی گویای علت حکم باشد می‌تواند ترجیح داشتن فرزند زیاد را قید بزند. برای مثال در روایتی که در بالا نیز مورد اشاره قرار گرفت علت تشویق به فرزندآوری تکثیر مومنان و لا اله الا الله گویان بود و یا فرزند به عنوان زینت یا باقیات صالحات معرفی شده است پس اگر در شرایطی و بنا به علل و عوامل فرهنگی، تربیتی، اقتصادی فرزند زیاد باعث کم توجهی والدین به تربیت دینی و انسانی فرزندان شود نمی‌توان به صورت مطلق تکثیر نسل را ترجیح داد.

۴-۲- سیاست‌های جمعیتی

سیاست‌های جمعیتی اصطلاحی است در جمعیت‌شناسی با تعاریف مختلف که همگی این تعاریف اشاره دارند به مجموعه اصول و تدابیر و برنامه‌های مشتمل بر اقدامات مؤثر بر رشد و ساختار و توزیع جمعیت یعنی تشریح چگونگی و حدود فعالیت دولت در مسائل جمعیتی بطور خلاصه به «کلیه اصول و قوانینی که از سوی دولت در جهت هماهنگ سازی شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه در راستای دستیابی به توسعه پایدار تدوین می‌گردد» سیاست جمعیتی اطلاق می‌گردد.

نوع برنامه‌ها و سیاستها برای تاثیرگذاری بر مسأله جمعیت در دوره‌های مختلف تاریخی متفاوت میباشد. در گذشته که میزان مرگ و میر جمعیتها در حد بالایی بوده معمولا پیشنهادها ارائه شده در مورد جمعیت موافق با افزایش زاد و ولد بوده مثلا در بعضی از طوایف تعداد زیاد جمعیت مردان نشانه قدرت آنها بوده است. در این خصوص، شعار امپراتوری روم عبارت بوده است از «مردان زیاد به معنای فتوحات بیشتر». در هر حال، پس از انقلاب صنعتی ماهیت چنین سیاست‌هایی تغییر میکند. امروزه دامنه این سیاستها بسیار وسیع و فراتر از مسائل خاص جمعیت بوده و بسیاری از موازین اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را در برمیگیرد.

سیاست‌های جمعیت ایران

تا پیش از سال ۱۳۳۰، دولت سیاست‌گذاری جمعیتی مشخصی انجام نداده بود و تنها برخی انجمن‌های خیریه و مطب‌های خصوصی در زمینه تنظیم خانواده فعالیت می‌کردند. اولین اقدامات در سال ۱۳۳۴ با تأسیس اداره بهداشت مادران و کودکان در وزارت بهداشت آغاز شد. در همان سال انجمن خیریه «راهنمای خانواده» با کمک صندوق بین‌المللی جمعیت، قرص اسپرم‌کش و کاندوم در اختیار برخی مراکز دولتی و غیردولتی قرار می‌داد.

اولین بار در سال ۱۳۴۱ برنامه‌های جمعیتی به طور جدی مورد توجه دولتمردان قرار گرفت. در سال ۱۳۴۳ سیاست‌های فرزند کمتر مورد تأیید برخی مقامات روحانی واقع گردید و فتوایه حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی بدین شرح صادر شد که «طرق مختلف جلوگیری از حاملگی از نظر شرعی در صورت موقت بودن و عدم عقیمی زن مانعی ندارد».

در اواخر ۱۳۴۵ با اعلام نظر کارشناسان شورای جمعیتی مستقر در آمریکا، شورای عالی بهداشت و تنظیم خانواده و ستاد عالی هماهنگی با همکاری دستگاه‌های دولتی تشکیل و حوزه معاونت وزارت بهداشت برای اجرای این برنامه‌ها در نظر گرفته شد و بدنبال آن از سال ۱۳۴۶ پس از صدور اعلامیه تهران به اجرا گذاشته شد. بدین ترتیب حدود ۲۰ درصد از زنان واجد شرایط تنظیم خانواده تحت پوشش این خدمات قرار گرفته و رشد جمعیت ایران که در دهه ۴۵-۱۳۳۵ حدود ۳/۲ درصد بود، به میزان ۲/۶ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۵ رسید.

پس از انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی عملاً برنامه‌های تنظیم خانواده تعطیل شد. با توجه به کاهش مرگ و میر به دلیل توسعه شبکه ارائه خدمات بهداشتی و ارتقاء چشمگیر سطح بهداشت عمومی، مهاجرت اتباع کشورهای همسایه به ایران، واگذاری برخی امتیازات اجتماعی و رفاهی به خانواده‌های پرجمعیت رشد جمعیت در فواصل سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ به رقم ۳/۹ درصد رسید؛ یعنی رشد جمعیت ایران وارد مرحله «انفجار جمعیت» گردید.

تعدادی از سیاست‌های جمعیتی که از دهه ۷۰ تاکنون به طور هماهنگ و به وسیله وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف در کشور ما پیاده شده اند به شرح ذیل می‌باشند: جوانانی که قصد ازدواج دارند، پس از انجام آزمایش‌های لازم، موظف به شرکت در

کلاسهای تنظیم خانواده می‌باشند.

عمل وازکتومی به طور رایگان انجام می‌شود، در حالی که بسیاری عمل‌های ساده تر از آن با قیمت‌های گزافی انجام می‌شود. فرزند چهارم به بعد کوپن دریافت نمی‌کند.

ایران و سیاست‌های کاهش جمعیت

جمعیت در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲)

پیش‌بینی جمعیت در طول برنامه اول توسعه به شدت متأثر از افزایش مولید و رشد جمعیت در دهه پس از انقلاب بود. دهه‌ای که در آن جمعیت کشور، میزان باروری کل را در حد میزان طبیعی و آهنگ رشد ۳/۹ درصدی تجربه می‌کرد. در این شرایط بود که لزوم اجرای سیاست‌های کاهش فرزند به شدت احساس می‌شد و تلاش‌های بی‌وقفه صاحب‌نظران حوزه جمعیت در جهت گنجاندن سیاست‌های کاهش فرزند و تنظیم خانواده در برنامه‌های درازمدت توسعه برای نخستین مرتبه به بار نشست و صاحب‌نظران و سیاستگذاران حوزه برنامه‌ریزی به این مهم تأکید کردند. در حقیقت عامل ازدیاد شدید جمعیت در برنامه اول توسعه به عنوان یک عامل منفی و نامطلوب تلقی می‌شد که عاملی بازدارنده در راه توسعه کشور بود و سیاست‌های کاهش فرزند در این برنامه پاسخی به این تلقی به شمار می‌آمد اما در چنین شرایطی کمتر کسی تصور می‌کرد که آهنگ رشد جمعیت کشور با چنین سرعتی کاهش یابد و تصور جمعیت‌شناسان بر این بود که رشد جمعیت کشور در افق درازمدت تری کاهش پیدا کند. از این‌رو، در مبحث تحولات آتی جمعیت در برنامه اول توسعه آمده است: «بررسی‌های جمعیت‌شناختی بر این واقعیت تأکید دارند که چنانچه روند کنونی افزایش طبیعی جمعیت تداوم یابد، حتی با وجود تغییری که در الگوی استقرار جمعیت و به‌ویژه افزایش شهرنشینی صورت خواهد گرفت، تا سال ۱۳۹۰ جمعیت ایران به مرز ۱۰۷ میلیون نفر خواهد رسید و بر اثر آن، الگوی کاربردی منابع و امکانات تولیدی کشور بی‌رویه‌تر و میزان محرومیت‌ها و عدم تعادل‌های اساسی شدیدتر خواهد شد. خاصه آنکه از فرآیند رشد طبیعی بالای جمعیت، بیش از همه، خانوارهای وابسته به قشرهای کم‌درآمد، نواحی و مناطق محروم و بخش‌های سنتی اقتصادی لطمه خواهند

دید. (لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، ۱۳۶۸)

براساس لایحه برنامه اول، جمعیت سال ۱۳۷۲ (سال آخر برنامه اول توسعه) ۶۱۶۸۴ هزار نفر پیش‌بینی شده است اما عملکرد تعداد جمعیت براساس جمعیت اصلاح شده ۵۹۶۴۰ هزار نفر و براساس سرشماری ۵۷۴۸۸ هزار نفر بوده که براساس این، جمعیت پیش‌بینی شده به ترتیب ۲۰۴۴ و ۴۱۹۶ هزار نفر بیشتر از عملکرد برنامه براساس جمعیت اصلاح شده و سرشماری شده، بوده است. با توجه به اینکه روند کاهش رشد جمعیت در برنامه اول توسعه بسیار کند در نظر گرفته شده، این مسأله باعث شده است که با گذشت زمان تفاوت بین پیش‌بینی و عملکرد برنامه به شدت افزایش یابد و براساس سرشماری به بیش از چهار میلیون نفر در سال پایانی برنامه اول برسد اما باید خاطر نشان کرد که به دلیل احتمال کم شماری در سرشماری سال ۱۳۷۵ و آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ رقم واقعی تفاوت باید کمتر از این عدد باشد و در واقع رقم واقعی تفاوت پیش‌بینی و عملکرد باید رقم به دست آمده از جمعیت اصلاح شده، باشد. در نهایت ملاحظه می‌شود که تعداد جمعیت برآورد شده در طول برنامه اول بسیار بیشتر از عملکرد تعداد جمعیت بوده است و همانگونه که ذکر شد، پدیده بیش برآورد پیش‌بینی جمعیت در این سال‌ها به دلیل شرایط خاص جمعیتی و رشد شتابان جمعیت در آن دوره بوده است. (لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، ۱۳۶۸)

جمعیت در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸)

در مقدمه الگوهای کلان و الگوی پیش‌بینی تحولات جمعیتی مورد استفاده در تدوین برنامه دوم آمده است: «در جریان تدوین دومین برنامه توسعه اقتصادی کشور مطالعات وسیعی پیرامون کم و کیف داده‌های جمعیتی موجود در کشور صورت گرفت و براساس آنها نرم‌افزاری برای برآورد جمعیت و شاخص‌های حیاتی طراحی شد. این نرم‌افزار با استفاده از توزیع سنی و جنسی جمعیت در دو سرشماری متوالی میزان‌های حیاتی را برآورد و سپس با استفاده از آنها جمعیت آتی کشور را پیش‌بینی می‌کرد. در این برنامه پس از برآورد جمعیت کل کشور، توزیع سنی و جنسی جمعیت به تفکیک استان‌های کشور نیز برآورد شد. برآورد اخیر بر مبنای نتایج استانی طرح جاری جمعیت و اصلاحات آن صورت گرفت. در این برآورد، ابتدا سهم هر استان در جمعیت اصلاح

شده هر گروه سنی به دست آمد و سپس با این فرض که سهم هر استان در هر گروه سنی تا آخر برنامه ثابت باشد، توزیع سنی جمعیت استان‌های کشور نیز به دست آمد. (مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، ۱۳۷۲)

در مباحث جمعیتی مرتبط با برنامه دوم پیش‌بینی شد که جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ به طور متوسط سالانه ۲/۹۵ درصد افزایش خواهد یافت که در مقایسه با دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کاهش قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. توقف مهاجرت‌های گذشته به داخل کشور و کاهش سریع در میزان موالید، دو عامل اساسی در کاهش آهنگ رشد جمعیت کشور در این دوره محسوب می‌شوند.

همچنین پیش‌بینی شده است که در اواخر برنامه دوم به دلیل ورود جمعیت زنان متولد دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به سنین باروری و فرزند آوری، به‌رغم کاهش فرزند، بار دیگر تعداد فرزند و آهنگ رشد جمعیت افزایش یابد. در واقع در طول برنامه دوم به سرعت به تعداد زنان واقع در سنین باروری افزوده خواهد شد. در طول این برنامه تعداد زنان واقع در سن باروری به طور متوسط سالانه ۳/۴ درصد افزایش خواهد یافت. رشد سریع زنان واقع در سن باروری نشان می‌داد که در آینده سیاست‌های فرزند کمتر باید با دقت و جدیت پی‌گیری شود.

پیش‌بینی جمعیت برنامه دوم متأثر از رشد شتابان جمعیت در سال‌های قبل از برنامه بوده و این امر منجر به اضافه برآورد در پیش‌بینی جمعیت شده و فروض به کار رفته در باروری بسیار بالاتر از واقعیت، در نظر گرفته شده و این امر منجر به اضافه پیش‌بینی جمعیت گروه سنی ۴-۰ ساله در سال ۱۳۷۲ و با شدت بیشتری در سال ۱۳۷۷ شده است. البته عملکرد جمعیت براساس سرشماری متأثر از کم‌شماری جمعیت در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ نیز بوده است. در سال ۱۳۷۷، به دلایلی که عنوان شد، اضافه برآورد در گروه سنی ۹-۵ ساله نیز مشاهده می‌شود. از سایر تناقض‌های موجود می‌توان به برآورد پایین جمعیت در گروه‌های سنی ۱۴-۱۰ ساله، ۵۹-۵۵ ساله، ۶۴-۶۰ ساله و ... به شرح جدول شماره ۴ در سال ۱۳۷۲ و یک گروه سنی بالاتر در سال ۱۳۷۷ به شرح جدول شماره ۵ اشاره کرد.

جمعیت در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳)

سیاست‌های فرزند کمتر برنامه‌های قبل به نوع دیگری در برنامه سوم توسعه نیز پی‌گیری شده و تأکید بر خانواده کوچک، آموزش جمعیت و تنظیم خانواده و برنامه‌های

دسترسی به روش‌ها و وسایل پیشگیری دلیلی بر این مدعاست. (مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، ۱۳۷۷)

تعداد جمعیت پیش‌بینی شده در سال اول برنامه (سال ۱۳۷۹)، ۶۳۸۶۰ هزار نفر بوده است در حالی که عملکرد جمعیت براساس جمعیت اصلاح شده، ۶۶۰۴۸ هزار نفر و براساس سرشماری ۶۴۰۳۲ هزار نفر بوده است. تفاوت پیش‌بینی و عملکرد جمعیت در این سال براساس جمعیت اصلاح شده ۲۱۸۶ هزار نفر و براساس سرشماری ۱۷۰ هزار نفر بوده است. در نهایت در سال ۱۳۸۳ (سال پایانی برنامه سوم)، جمعیت پیش‌بینی شده ۶۸۱۶۶ هزار نفر بوده است، حال اینکه عملکرد جمعیت براساس جمعیت اصلاح شده ۶۹۱۷۶ هزار نفر و براساس سرشماری ۶۸۲۷۲ هزار نفر بوده است. بنابراین جمعیت پیش‌بینی شده ۱۰۱۰ هزار نفر کمتر از جمعیت اصلاح شده و ۱۰۶ هزار نفر کمتر از جمعیت سرشماری شده است. (مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، ۱۳۷۷)

جمعیت در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸)

جمعیت پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۸۴ (سال اول برنامه چهارم) ۶۸۶۲۵ هزار نفر بوده و عملکرد جمعیت ۷۰۰۲۸ هزار نفر براساس جمعیت اصلاح شده و ۶۹۳۷۵ هزار نفر براساس سرشماری بوده، در نتیجه جمعیت پیش‌بینی شده ۱۴۰۳ هزار نفر براساس جمعیت اصلاح شده و ۷۵۰ هزار نفر براساس سرشماری کمتر از عملکرد جمعیت است. جمعیت پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۸۸ (آخرین سال برنامه چهارم) ۷۲۵۰۱ هزار نفر بوده است. براساس این، عملکرد جمعیت با توجه به جمعیت اصلاح شده ۷۳۵۴۱ هزار نفر و براساس سرشماری ۷۳۴۹۸ هزار نفر بوده در نتیجه جمعیت پیش‌بینی شده براساس جمعیت اصلاح شده ۱۰۴۰ هزار نفر و براساس سرشماری ۹۹۷ هزار نفر کمتر از عملکرد جمعیت است.

تأثیر سیاست‌های تنظیم خانواده در ایران بر روی رشد جمعیت

با وجود چنین شرایطی، از آغاز دهه ۹۰ میلادی و دهه ۷۰ شمسی برنامه تنظیم خانواده به طور هماهنگ در کل کشور پیاده شد. برای آنکه تأثیر این برنامه بر روند رشد موالید

به خوبی درک و احساس شود، آمار آهنگ موالید از ۱۹۵۰ تاکنون در جدول ذیل آورده شده است. همانگونه که از جدول ذیل می‌توان استنتاج نمود متوسط آهنگ موالید پیش از ۱۹۹۰، ۶٫۶۲، کودک برای هر زن بوده است، در حالی که پس از آن تاکنون به طور متوسط ۳٫۰۶ کودک به ازاء هر زن شده است. (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۳)

اهمیت تولد یک میلیون انسان کمتر در سال هنگامی روشن می‌شود که ابعاد تاریخی و تاریخیچه تحدید جمعیت و چگونگی آغاز و شیوع آن در جهان مورد بررسی قرار گیرد.

۶- بسته‌های پیشنهادی سیاست جمعیتی از سوی سازمان‌های بین‌المللی، آياكاهش جمعیت در راستای منافع ملی است یا خیر؟

در سال ۱۳۲۷، دولت آمریکا یک واحد پژوهشی به نام دفتر تحقیق عملیات تأسیس نمود تا پایه‌های نظری عملیات روانی در علوم اجتماعی را استخراج نماید. این دفتر توسط دانشگاه جان‌هاپکینز و طی قراردادی با ارتش آمریکا در بالتیمور مریلند پایه ریزی شد. بعدها مهارت و تخصصی که در برنامه دفتر تحقیق عملیات ارتش آمریکا/دانشگاه جان‌هاپکینز ایجاد شده بود، به شکل استادانه‌ای در هم تافته و به مدرسه بهداشت و سلامت عمومی (حلم سرشت، ۱۳۸۸، ص ۳۸) دانشگاه جان‌هاپکینز انتقال یافت که رشته ارتباطات سلامت عمومی (کتابی، ۱۳۸۸، ص ۵۵) را ایجاد نمود. همچنین مرکز برنامه‌های ارتباطات در سال ۱۳۶۷ توسط فیلیس تیلسون پیوترو (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۳۶) به عنوان بخشی از اداره پویایی جمعیت در مدرسه بهداشت و سلامت عمومی تأسیس گردید، که هدف اصلی این مرکز کنترل جمعیت جهانی می‌باشد. (نشریه چسپتا، شماره ۷۶۱)

هدف جنگ تجاوزکارانه افزایش دسترسی و سیطره خود بر منابع است من جمله منابع مالی، تجاری، طبیعی و انسانی می‌باشد. راهبرد تجاوزگران برای رسیدن به این هدف، آن است که چیرگی دشمن بر منابع را به حداقل برسانند؛ و این امر را از طریق جنگ مستقیم و کشتن جنگجویان دشمن، کاهش مصرف آنها از این منابع و اگر لازم باشد کاهش جمعیت دشمن محقق می‌نمایند. به عبارت دیگر یکی از راهبردهای نوین جنگ، کاهش جمعیت دشمن می‌باشد. پروفیسور ژاکلین کاسون (کتابی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۴) طی بررسی خود در کتاب جنگ علیه جمعیت (نولان، ۱۳۸۶، ص ۴۴۶)، نشان می‌دهد که کاهش

جمعیت جهانی کاملاً منطبق بر آموزه نظامی و یک جنگ تمام عیار است. این معنا هنگامی تقویت می‌شود که بدانیم کاهش جمعیت جهانی یکی از طرح‌های شورای امنیت ملی آمریکا بوده است. طی دهه ۱۳۵۰ و در زمان هنری کسینجر مشاور امنیت ملی رییس جمهور وقت، طرح مطالعاتی درباره تأثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی آمریکا انجام شد. این پروژه که NSSM ۲۰۰ نام گرفت، روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را برخلاف امنیت ملی آمریکا دانسته و با تشریح راهبرد آمریکا در مورد جمعیت جهانی، سیاستها، راهکارها، چگونگی همکاری سازمانهای بین‌المللی و روش ترغیب و اقناع رهبران کشورهای مورد نظر برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می‌کند. (گردنر، ۱۳۸۸، ص ۳۰۹)

بر اساس این پژوهش، جمعیت کشورهای در حال توسعه و با منابع غنی در صورتی که با همان ضریب رشد، افزایش یابد، موجب به شدت بالا رفتن خواست‌ها و انتظارات عمومی در میان مردم از جمله آموزش، اشتغال، بهداشت و مسکن می‌شود که خود به ناپایداری‌های اجتماعی و سیاسی در این کشورها تبدیل خواهد شد. این ناپایداری‌ها در کشورهای دارای منابع غنی تا اندازه زیادی منافع کشورهای صنعتی همچون آمریکا و بهره‌آنها از این منابع و سرمایه‌گذاری در کشورهای فوق را به خطر خواهند انداخت. (گردنر، ۱۳۸۸، ص ۳۱۰)

همچنین بر اساس نتایج بدست آمده در این پژوهش، فشار ایجاد شده برای تأمین نیازهای این جمعیت بالا، در آینده موجب می‌شود که دولت‌ها و حاکمان این کشورها به دنبال افزایش قیمت نفت جهت تأمین نیازها و انتظارات رفاهی و معیشتی مردم خود باشند. و افزایش قیمت نفت تأثیر بسیار منفی بر روی اقتصاد آمریکا خواهد داشت. (گردنر، ۱۳۸۸، صص ۳۳ و ۱۱۲ و ۱۲۵)

NSSM ۲۰۰ برنامه‌ای است که برای دو دهه، بر جمعیت‌زدایی جهانی مسلط بوده است. هنوز جنبه‌های روانشناختی و سیاسی برنامه، کلیه بخشهای جوامع سرتاسر جهان، به ویژه بخشهای حکومتی، رسانه‌های گروهی و آکادمیک، را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرچه فعالیتهای جمعیت‌زدایی دولت آمریکا به شکل انفکاک‌ناپذیری با بنگاه‌های سازمان ملل پیوند خورده است، اما تأثیر آن بر فرهنگ جهانی و تغییرات اجتماعی بسیار

فرا تر از فعالیتهای سازمان ملل می باشد. این امر به دلیل آنست که سازمان ملل، به عنوان مجموعه ای جهانی، خود به ملتهای ثروتمند و بودجه‌ها و سرمایه‌هایشان، متکی می باشد و بر اعضای خویش هیچ نیروی حقوقی الزام‌آور ندارد. به عبارت دیگر آمریکا دارای ردپای ریشه دار متقاعد سازی و مداخله سیاسی می باشد که در درگیری جنگ سرد صیقل خورد. (NSSM ۲۰۰، ۱۹۷۴)

به زبان NSSM ۲۰۰ مرکز برنامه‌های ارتباطات که در رأس نهادهای تبلیغات جمعیتی دانشگاه جان هاپکینز قرار دارد، در چهارچوب NSSM ۲۰۰ با بنگاه‌های بین‌المللی، بنیادها و سازمانهای غیردولتی متعددی در ایالات متحده و خارج از آن، برای تبلیغ و تشویق رفتار بهداشتی، کار می کند. حامیان اصلی این مرکز، USAID، UNFPA، یونیسف، بانک جهانی، بنیاد راکفلر، بنیاد پاکارد، بنیاد کاول، بنیاد رفاه عمومی و دیگر بنیادهای خصوصی و خیریه‌ها می باشند. (نشریه چسپیتا، شماره ۷۶۱) دو بخش اصلی و عمده مرکز، شامل خدمات ارتباطات جمعیتی (PCS) و برنامه اطلاعات جمعیتی (PIP) می باشند. خدمات ارتباطات جمعیتی کمکهای فنی را به پنج منطقه جهانی، شامل دولت‌های تازه استقلال یافته (NIS)، خاور نزدیک، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین ارایه می کند. در این بخش، مرکز حمایت های آموزشی و مالی از همدستان خود در بیش از ۶۵ کشور دنیا به عمل می آورد تا آنها را در توسعه و ارزیابی برنامه‌های موثر اطلاعات-آموزش-ارتباطات و انگیزش (IEC/M)) جهت تشویق و تقویت برنامه‌ریزی خانواده، بهداشت ضدبارداری و فعالیت های مشابه کمک نماید. (نشریه چسپیتا، شماره ۷۶۱)

همانطور که مشاهده می شود، فعالیتهای متعدد دانشگاه جان‌هاپکینز در برنامه جمعیتی IEC/M به «تغییر دادن طرز تفکر و رفتار جنسی» همه جهانیان به سمت جمعیت‌زدایی از طریق کاهش زاد و ولد اختصاص یافته است. برای اجرای این هدف در سر تا سر جهان، مرکز برنامه‌های ارتباطات طرحی به نام فعالیت ارتباطات ملی (NCC)) تهیه کرد که در آن برای هر کشور، برنامه ویژه آن طراحی گردیده است. (نشریه چسپیتا، شماره ۷۶۱)

مبتنی بر دیدگاه استراتژیک، افزایش جمعیت نه تنها نگران کننده نیست، بلکه به صورت یک الزام اساسی توسعه و بویژه توسعه ایران مطرح خواهد شد. مطرح‌ترین تئوری جمعیتی که در مباحث توسعه اقتصادی بیان می شود، توسط مالتوس مطرح شده که شاهبیت آن به این مسأله اشاره دارد که رشد جمعیت بر پایه تصاعد صعودی و افزایشی

بوده، در حالی که رشد منابع غذایی بر پایه تصاعد عددی و حسابی و به آرامی صورت می‌گیرد. طبق برآورده مالتوس در برهه‌ای از زمان رشد جمعیت از رشد امکانات و منابع پیشی گرفته و لذا امکانات موجود پاسخگوی نیازهای جمعیت نخواهد بود. در نتیجه بحران جمعیتی و انسانی پدیدار خواهد شد.

توصیه مالتوس بر پذیرش جلوگیری از زاد و ولد به منظور به تعویق انداختن بحران و یا حذف بحران بود. البته این تئوری با ورود بازده فرایند به مقیاس و افزایش سطح تکنولوژی و در نتیجه افزایش بهره‌وری از واحدهای ثابت موضوعیت خود را از دست داد. (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۸۹)

نگرانی‌های موجود درخصوص عدم تکافوی منابع و امکانات طبیعی خدادادی در پاسخ به نیازهای جمعیتی دارای ریشه در مبانی معرفت‌شناختی علم اقتصاد مبتنی بر آموزه‌های لیبرال سرمایه‌داری می‌باشد.

در تعریف پایه علم اقتصاد تصریح می‌شود که علم اقتصاد عبارت است از علم تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود انسان. از منظر گزاره‌های ایدئولوژیک اسلامی و قرآنی، اساس این تعریف محل اشکال است، چرا که این تعریف دائماً مصرف‌گرایی انسان و نیازهای او را به هر قیمتی دامن می‌زند.

از منظر این دیدگاه، ساختار نیاز ما نیز کاملاً یکسان ذکر شده و لذا در جهت ارضای نیازهای انسان، طبیعت و منابع موجود بر آن قربانی مطامع نوع بشر شده و در ادامه، تئوری‌های اقتصادی و از جمله بازار رقابت کامل در جهت عملیاتی نمودن این تعریف از اقتصاد پایه‌ریزی شده‌اند که اساس و نظام سرمایه‌داری را بر پایه مبحث داروینیسیم شکل دادند.

۷- نتیجه گیری

بازنگری در مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی علم اقتصاد که اباحی‌گری را به هر شکل آن در جهت تخصیص منابع شایسته می‌داند و بازگشت به سوی اقتصاد اسلامی مبتنی بر گزاره‌های قرآنی، با توجه به تفکیک انواع نیازها از همدیگر رویکرد جدید مثبت جمعیتی را مطرح خواهد نمود.

پدیده انفجار جمعیت، در اروپا نزدیک به حدود ۱۰۰ سال رخ داده و پس از آن سیر زاد

و ولد در اروپا، روند کاهشی به خود گرفته، به نحوی که آهنگ رشد زاد و ولد کمتر از آهنگ رشد مرگ و میر بوده و لذا در سال‌های اخیر آهنگ رشد جمعیت در کشورهای اروپایی رقمی نزدیک به صفر و یا حتی در برخی مواقع منفی بوده است. تحلیل‌های موجود مراکز مطالعات راهبردی غرب بیانگر آن است که اروپای آینده یک اروپای با ساختار جمعیتی پیر بوده و لذا از هم‌اکنون سیاست‌های افزایش جمعیتی را با انواع تدابیر جذاب در پیش گرفته‌اند. لکن واکنش مثبتی به این سیاست‌ها از سوی اروپایی‌ها نشان داده نشده است. (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲)

طراحی سیاست‌های مهاجرگیری از سوی این کشورها مؤید این نکته می‌باشد. از سوی دیگر تحلیل‌ها نشان می‌دهد که جمعیت تولیدگر جهان در یک انتقال جمعیتی از اروپا به سمت آسیا و بویژه در کشور چین و هند سوق داده خواهد شد. این مسأله خود باعث دگرگونی در ساختار نظریه‌های توسعه خواهد شد. پیش‌بینی شکل‌گیری غول‌های جدید جهانی در عرصه اقتصاد از سه دهه آینده مؤید این نکته است. تحلیل نتایج سرشماری‌های جمعیتی در ۶ سرشماری صورت گرفته در تاریخ ایران از یک سو و همچنین کالبدشکافی هرم سنی جمعیت مبتنی بر آخرین سرشماری جمعیتی در سال ۸۵ از منظر نگاه کوتاه‌مدت بیانگر آن است که گرچه قاعده هرم سنی جمعیتی هم‌اکنون در سنین ۲۰-۳۰ سال بوده و لذا از این منظر پاسخگویی به نیازهای متنوع این طیف جمعیتی بزرگترین چالش اساسی کشور به شمار می‌رود، لکن سیاست‌های جمعیت‌زدایی که پس از دوران انفجار جمعیتی ایران در سال‌های اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ رخ داده، موجب شده آهنگ رشد جمعیت بشدت کاهش یابد.

تداوم این کاهش آهنگ رشد جمعیت با توجه به اینکه این روند کاهشی تبدیل به ارزش و هنجاری اجتماعی می‌شود، از منظر ملاحظات راهبردی و آینده‌شناختی بحران فراروی اروپا را در آینده برای ایران به ارمغان خواهد آورد. تحلیل شاخص‌های ضریب جوانی، میانگین و میانه سنی جمعیت و... نشان از تداوم حرکت به سوی میانسالی و پیری جمعیت را در آینده برای ایران نوید می‌دهد. شایان توجه است که در تحلیل مناسبات جمعیتی با توجه به گذشته و با نگاه به روندهای جهانی و شواهد موجود ایران، میزان واکنش مردم به قبول کاهش جمعیت به مراتب بیشتر از واکنش آنها به افزایش جمعیت است. تغییر روندهای تولیدی از اقتصاد مبتنی بر خانواده و کشاورزی به اقتصاد صنعتی

و سپس مبتنی بر دانش و کاهش نقش انسان در فرایندهای تولیدی، مؤید این نکته است. (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۵)

از سوی دیگر وجود انواع جاذبه‌های مصنوعی و مشغولیات و فناوری‌های سرگرم‌کننده نیز به تدریج جایگزین انسان و مناسبات خانوادگی شده است. بر آیند این تحولات به همراه تداوم روند کنونی کاهش آهنگ جمعیت و از سوی دیگر افزایش سن ازدواج و تحلیل به عدم فرزندآوری از سوی خانواده‌های جدید، هرم سنی پیش‌بینی شده در ۳۰ سال آینده را یک هرم پیر جمعیتی نشان می‌دهد. به صدا درآوردن این زنگ خطر از هم‌اکنون توسط کارشناسان و ارکان عالی حکومت اقدام شایسته‌ای است که در صورت توجه خانواده‌ها به آن، شاید بتوان نتایج آن را از سه دهه بعد شاهد بود.

بدون تردید این مسأله نافی توجه به نیازهای جمعیتی امروز ایران از منظر نیازها و توجه به شاخص‌های چندجانبه جمعیتی از جمله اشتغال، رفاه خانوارها، درآمد سرانه، ترکیب هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی و... نخواهد بود و این مسأله عزم جدی مسئولان در تأمین نیازهای امروزی جمعیت را طلب خواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی

- Bongaarts, John. "Population policy options in the developing world," ۱۹۹۴. Science ۲۶۳: ۷۷۱-۷۷۶.
- Cassen, Robert and contributors. Population and Development: Old Debates, New Conclusions. Washington, DC: Overseas Development Council, ۱۹۹۴.
- Casterline, John B. and Steven W. Sinding. "Unmet need for family planning in developing countries and implications for population policy," Population and Development Review ۲۶: ۲۶۱-۲۷۳, ۲۰۰۰.
- McIntosh, C. Alison and Jason L. Finkle. "The Cairo conference on population and development: A new paradigm?" Population and Development Review ۲۳: ۲۱-۲۶, ۱۹۹۵.
- National Security Study Memorandum (NSSM ۲۰۰), Implications of Worldwide Population Growth for U.S. Security and Overseas Interests (THE KISSINGER REPORT), December ۱۹۷۴, ۱۰.
- Teitelbaum, Michael S. and Jay M. Winter. The Fear of Population Decline. San Diego: Academic Press, ۱۹۸۵.
- Warwick, Donald P. Bitter Pills: Population Policies and Their Implementation in Eight Developing Countries. New York: Cambridge University Press, ۱۹۸۲.
- Winckler, Edwin A. "Chinese reproductive policy at the turn of the ۲۰th millennium: Dynamic stability," Population and Development Review ۳۷: ۳۷۹-۴۱۸, ۲۰۰۲.
- جهانفر، محمد. جمعیت و تنظیم خانواده. تهران، جهان فرهنگی، ۱۳۸۶.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن. وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۴، قم، انتشارات مکتبه امیرالمومنین، ۱۴۱۳ق.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین. رساله نکاحیه: کاهش جمعیت، ضربه‌ای سنگین بر پیکر مسلمین. تهران، حکمت، ۱۳۶۴.

- حسینی، حاتم. درآمدی بر جمعیت شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده. همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۳.
- حلم سرشت، پریش. جمعیت و تنظیم خانواده. تهران، چهر، ۱۳۸۸.
- زارع، بیژن. جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۴.
- سالنامه آماری کشور، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷.
- شیخی، محمدتقی. جمعیت و تنظیم خانواده. تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳.
- صدوق، خصال، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- عضدانلو، حمید. آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
- کتابی، احمد. درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب کَلینی. اصول کافی، ج ۶، حسن زاده، تهران، انتشارات قائم آل محمد(ص)، ۱۳۸۵.
- گردنر، ویلیام. جنگ علیه خانواده. معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان استان قم، ۱۳۸۸.
- گی ریشه. تغییرات اجتماعی. منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
- لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات وزارت برنامه و بودجه (سابق)، سال ۱۳۶۸.
- مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار الجامعه لدر اخبارالائمة الاطهار علیهم السلام، ج ۷۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مدل‌های کلان و الگوی پیش‌بینی تحولات جمعیتی مورد استفاده در تدوین برنامه دوم، سازمان برنامه و بودجه (سابق)، سال ۱۳۷۲.
- مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم، روند گذشته، جاری و آینده‌نگری ده ساله جمعیت ایران، سازمان برنامه و بودجه (سابق)، سال ۱۳۷۷.
- نولان، پاتریک. لسنکی گرهارد. جامعه‌های انسانی. تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.